

The Operational Framework for Personal Finance Management Based on the Supreme Leader Ayatollah Khamenei's Statement

Ali Rezaeian *

Received: 09/08/2018

Mohamad Reza Simiari **

Accepted: 30/06/2019

Hosin Hasanzadeh Sarvestani ***

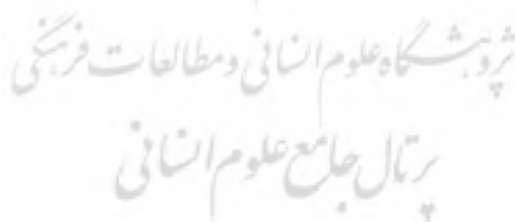
Abstract

In personal financial management, individuals seek to manage their financial resources and achieve goals and financial satisfaction. In general, you can divide personal finance into two parts: income (equipment) and allocation of funds. Islam, as a comprehensive religion, has operational teachings in the area of personal finance allocation. The purpose of this research is to find operational principles for the allocation of personal finances, based on the statements of the Supreme Leader as an Islamist and a jurisprudent aware of the circumstances of the time. This operational framework offers general guidelines for personal financial planning. To derive these principles, we have referred to Ayatollah Khamenei's statements using theme analysis method. The principles include two categories, positive and prohibitive that are outlined in this article.

Keywords

Personal Finance, Islamic Finance, Statement by Supreme Leader Ayatollah Khamenei

JEL Classification: A13, D14, Z12.



* Professor at Organizational Behavior Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. a_rezaeian@sbu.ac.ir

** PhD Student in Financial Management, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author). m_simiari@sbu.ac.ir

*** Assistant Professor at Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. h.hasanzadeh@isu.ac.ir

چارچوب عملیاتی مدیریت مالی شخصی مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۱۶ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

علی رضائیان
محمدرضا سیمیاری
حسین حسن زاده سروستانی

چکیده

فرآیند برنامه‌ریزی مخارج و هزینه‌ها، تأمین مالی و سرمایه‌گذاری برای بهینه‌سازی وضعیت مالی خود را مدیریت مالی شخصی می‌گویند. به‌طور کلی می‌توان مدیریت مالی شخصی را به دو بخش «درآمد (تجهیز)» و «تخصیص منابع مالی» تقسیم کرد. اسلام به‌عنوان دین خاتم و جامع دارای آموزه‌هایی اجرایی و عملیاتی در حوزه تخصیص منابع مالی شخصی است. هدف این تحقیق دستیابی به چهارچوب عملیاتی جهت تخصیص منابع مالی شخصی، مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری - به‌عنوان اسلام‌شناس و فقیهی که به اقتضائات زمانه نیز آگاهی دارد - است. این چهارچوب عملیاتی، خطوط کلی و راهنما برای برنامه‌ریزی مالی شخصی ارائه می‌دهد. برای استخراج این اصول، به روش تحلیل مضمون به بیانات معظم‌له مراجعه شد و مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر از بیانات استخراج گردید. با استفاده از مضامین به‌دست‌آمده، اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی ارائه می‌شود. اصول عملیاتی به برنامه‌ریزی مالی شخصی هر مسلمان ایرانی، چهارچوب می‌دهد. این اصول شامل دودسته اصول ایجابی (الزامی) و اصول سلبی (ممنوعه) هستند. اصول ایجابی عبارتند از: انضباط مالی، قناعت و میانه‌روی، انفاق، خرج کردن به مقدار نیاز همراه با مقداری گشایش، سرمایه‌گذاری در تولید، خرید محصولات داخلی، پرداخت مالیات؛ و اصول سلبی عبارتند از: اسراف و مصرف‌گرایی، کنز کردن، اشرافی‌طلبی و تجمل‌گرایی، پیروی از سبک زندگی غربی.

واژگان کلیدی

مالی شخصی، مالی اسلامی، بیانات مقام معظم رهبری.

طبقه‌بندی JEL: A13, D14, Z12.

a_rezaeian@sbu.ac.ir

استاد مدیریت رفتار سازمانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دانشجوی دکتری مدیریت مالی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m_simiari@sbu.ac.ir

* استادیار مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

h.hasanzadeh@isu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

مدیریت مالی^۱، در چهار سطح شخصی^۲، شرکتی^۳، کشوری^۴ و بین‌المللی^۵ قابل بررسی است. در مالی شخصی به اداره امور مالی در سطح شخصی توسط اشخاص پرداخته می‌شود. مفاهیم و فرآیندهایی مانند هدف‌گذاری مالی، برنامه‌ریزی مالی، مسیر شغلی و درآمد، خرید دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری، مدیریت ریسک و بیمه، مدیریت پول و به‌طور عام هر آنچه با امور مالی در سطح شخصی در ارتباط است، پرداخته می‌شود. در این زمینه مقالات و کتاب‌های گوناگونی نوشته شده است، که نویسندگان آن با نگرش مادی و رویکردها، باورها و ارزش‌های حاکم بر جوامع و اقتصاد غربی (معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و هستی‌شناسی غربی) این آثار را نوشته‌اند.

دین اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین، آموزه‌های دقیقی جهت سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها ارائه می‌کند. اسلام در مالی شخصی نیز آموزه‌هایی در دو حوزه نگرش‌ها و دستورات اجرایی مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی دارد. لازم است هر مسلمان و هر انسان طالب سعادت، بداند دین اسلام چه الگویی برای امور مالی شخصی وی طراحی کرده است. این الگو در دو حوزه اصلی تجهیز منابع (درآمدها) و تخصیص منابع به مسلمانان نگرش صحیح و دستورات اجرایی ارائه می‌نماید. در نتیجه ضروری است الگویی برای مالی شخصی مبتنی بر تعالیم اسلامی ارائه شود.

یکی از اجزای لازم الگوی مدیریت مالی شخصی، دستورات اساسی جهت تخصیص منابع مالی شخصی است؛ به‌همین جهت موضوع این پژوهش، اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی است. در واقع منظور از اصول عملیاتی، دستورات و هنجار (باید/نباید)هایی است که اشخاص در تخصیص منابع مالی خود باید رعایت کنند.

برای استخراج اصول فوق‌الذکر مبتنی بر تعالیم اسلامی، نیاز به دو تخصص است؛ یکی اسلام‌شناسی (اجتهاد) و دیگری آگاهی به مسائل زمانه (درک مسائل اقتصادی-اجتماعی). بدین منظور به بیانات مقام معظم رهبری به‌عنوان «ولی فقیه» و «اسلام‌شناس مطلع از اقتضائات زمانه» به‌طور روشمند مراجعه می‌کنیم.^۶ مقام معظم رهبری با توجه به جایگاه «ولایت فقیه» و منصب اجتماعی‌شان، دارای هر دو تخصص لازم -یعنی اسلام‌شناسی و احاطه به اقتضائات زمانه- هستند. در نتیجه، مسأله این تحقیق چنین است که اصول و

چارچوب عملیاتی مدیریت مالی شخصی در بخش تخصیص منابع مالی، مبتنی بر بیانات و سخنرانی‌های مقام معظم رهبری (به‌عنوان اسلام‌شناس و فقیهی که به اقتضائات زمانه نیز آگاهی دارد) با رویکرد سعادت دنیوی و اخروی فرد و جامعه چیست؟

۱. پیشینه پژوهش

ابتدا پیشینه پژوهش مرتبط با مالی شخصی و مالی شخصی اسلامی بیان خواهد شد؛ سپس پیشینه این موضوع مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری ذکر شده و در انتها نوآوری این مقاله نسبت به پژوهش‌های پیشین بیان می‌شود.

کاپور، دیابی و هوگس^۷ (۲۰۱۲) در کتاب «مالی شخصی»^۸ به موضوعات برنامه‌ریزی مالی شخصی، مدیریت پول،^۹ مسیر حرفه‌ای،^{۱۰} مالیات، اعتبار مصرف‌کننده،^{۱۱} تصمیمات مصرفی و خرید خانه، محافظت‌های قانونی، بیمه، سرمایه‌گذاری،^{۱۲} برنامه‌ریزی بازنشستگی و برنامه‌ریزی دارایی‌ها می‌پردازند. هدف این کتاب، اصول برنامه‌ریزی مالی برای اتخاذ تصمیمات آگاهانه در زمینه‌های پرداخت، پس‌انداز، قرض و سرمایه‌گذاری برای تأمین امنیت مالی بلندمدت است.

گارمن و فورگو^{۱۳} (۲۰۱۰) در کتاب «مالی شخصی» به برنامه‌ریزی مسیر شغلی، صورت‌ها و ابزارهای مالی و بودجه‌بندی، مدیریت مالیات بر درآمد،^{۱۴} حساب‌های دیداری و پس‌انداز،^{۱۵} مدیریت اعتبار، تهیه مسکن، وسیله نقلیه و دیگر خریدهای مهم، محافظت از دارایی‌ها، مدیریت هزینه‌های درمان و بیمه‌عمر، انواع گزینه‌های سرمایه‌گذاری (سهام، اوراق، صندوق‌ها، دارایی‌های واقعی و...) و برنامه‌ریزی بازنشستگی و دارایی‌ها^{۱۶} پرداخته‌اند.

کریمی (۱۳۹۷) در کتاب «معیشت مؤمنانه» چهار مفهوم زهد، رفاه، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری را که در اداره امور مالی شخصی مطرح است، از بیانات مقام معظم رهبری تبیین می‌کند.

نعمتی، تنهای‌مقدم و مرادی‌باصیری (۱۳۹۵) در «مدیریت اقتصاد خانوار در اسلام» پس از مرور تجربیات دنیا و ادبیات متعارف اقتصاد خانواده و سواد مالی، به اقتصاد خانواده در ادبیات اسلامی و تمدنی می‌پردازد. پس از بیان عقاید اقتصادی یک مسلمان،

اصول کلی حاکم بر مصرف را این موارد بیان می‌کند: کفاف، حلال و طیب بودن، تداوم رشد و تعالی، مواسات، پرهیز از لوکس‌زدگی و توازن دخل از خرج.

پیغامی و مرادی‌باصیری (۱۳۹۵) در کتاب «سواد مالی» در جستجوی استانداردهای لازم جهت آموزش سواد مالی در ایران است. این کتاب ناظر به سواد مالی و آموزش مالی در کشور است.

حسینی (۱۳۹۴) در کتاب «الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان» رفتار مصرف‌کننده لیبرال در نگاه سرمایه‌داری را با یک مسلمان مقایسه می‌کند. دئیسم، طبیعت‌گرایی و فردگرایی مؤلفه‌های اساسی سرمایه‌داری هستند؛ اما در اندیشه اسلامی، محور اساسی، خداوند است و انسان جانشین او محسوب می‌شود؛ انحصار انگیزه‌های انسان در لذت‌جویی خودکامه و نادیدن گرایش‌های متعالی، انحراف از انسانیت است. انسان مسلمان برای تأمین اهدافش علاوه بر معیارهای عقلی، از وحی نیز بهره می‌گیرد. تحریم کنز و وجوب انفاق در راه خدا، حرمت تبذیر و اسراف، اتلاف و اتراف از محدودیت‌های تخصیص منابع در اندیشه اسلامی است.

مرادی‌باصیری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش مالی شخصی» با روش مطالعه تاریخی، تحلیل انتقادی و داده‌بنیاد پس از بررسی وضعیت آموزش سواد مالی در جهان، با تمرکز بر جهان‌بینی اقتصاد اسلامی (خالقیت و مالکیت الله، هدف‌داری آفرینش، خلافت انسان و مسئولیت‌پذیری او...) و اصول تشریحی و حقوقی اسلامی (مالکیت اعتباری ظلی، عدالت اجتماعی و اقتصادی، حرمت اکل مال به باطل و...) و مبانی انگیزشی رفتار اقتصادی در اسلام، گزاره‌های فقهی خریدوفروش کالاها و خدمات را در اقسام حرام، مکروه، مستحب، واجب، آداب بیع و ربا و اختیارات و گزاره‌های اخلاقی خریدوفروش بیان می‌کند. سپس پیش‌نویسی جهت آموزش اقتصادی در چهار استاندارد تصمیم‌گیری، مسئولیت‌پذیری و محبت متقابل، کسب درآمد و رزق، خریدوفروش کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری ارائه می‌دهد.

اسلامی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود «الگوی برنامه‌ریزی مالی شخصی با توجه به تعالیم اسلامی»، با مبنا قرار دادن کتاب‌های جهان‌بینی توحیدی شهید مطهری در حوزه اعتقادات، معراج‌السعادة مرحوم نراقی در حوزه اخلاق و تحریرالوسیله امام

حرمینی(ره) در حوزه احکام، به ارائه الگویی جهت برنامه‌ریزی مالی شخصی اسلامی اقدام کرده است.

نوآوری مقاله حاضر نسبت به پژوهش‌های مذکور این است که اصول و چارچوب عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات رهبر انقلاب، ارائه خواهد شد که تا به حال سابقه نداشته است. در کتاب «معیشت مؤمنانه» فقط به چهار مفهوم اساسی از بیانات معظم‌له اشاره شده است، اما در مقاله مذکور، تمام اصول عملیاتی تخصیص مالی شخصی با روشی علمی (تحلیل مضمون) استخراج شده است. استخراج روشمند و جامع اصول مالی شخصی از بیانات مقام معظم رهبری تا به حال پیشنهاد نشده است.

ابتنای پژوهش بر بیانات مقام معظم رهبری باعث می‌شود اصول ارائه شده ناظر به وضعیت و شرایط کنونی کشور باشد. به عبارت دیگر، این اصول عملیاتی، اولویت‌های مدیریت مالی شخصی را برای هر «مسلمان ایرانی» در شرایط کنونی کشور مشخص می‌کند تا اشخاص بتوانند در کلان نظریه «اقتصاد مقاومتی» که از سوی رهبر انقلاب بیان شد، ایفای نقش کنند.

هر شخص برای رسیدن به اهداف مالی خود، برنامه‌ها و رفتارهایی دارد. اصولی که در این مقاله بیان می‌شود به برنامه‌ریزی مالی شخصی هر مسلمان ایرانی چارچوب و جهت می‌دهد. به طوری که اگر برنامه‌ریزی مالی شخصی خارج از این چارچوب باشد، وی نمی‌تواند در اقتصاد مقاومتی نقش آفرینی کند و برنامه و رفتارش مردود است. برای مثال، اگر شخصی هدف‌گذاری مالی داشته باشد تا کالای خارجی‌ای که مشابه با کیفیت داخلی‌اش موجود است را بخرد، یا به جای سرمایه‌گذاری در تولید، در امور غیرمولد سرمایه‌گذاری کند، این برنامه و این رفتار، خارج از چارچوب است.

نوآوری مقاله حاضر برای اقتصاد کلان کشور چنین است: سیاست‌گذاری‌ها، ساختارها، برنامه‌ها و فرآیندها در اقتصاد کلان کشور باید به گونه‌ای باشد که اصول عملیاتی مستخرج را پشتیبانی کند. یعنی اگر اشخاص خود را به این اصول، ملزم کردند، نظام اقتصادی، پیشرفت و گذران زندگی ایشان را تسهیل کند، نه اینکه اوضاع بر اشخاصی که این اصول را رعایت می‌کنند، دشوارتر شود. در نتیجه، هر سیاست‌گذاری، ساختار، برنامه و فرآیند در سطح کلان باید با این اصول هماهنگ باشد. در ادامه، به اختصار دانش

مالی شخصی معرفی، سپس اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی با روش تحلیل مضمون براساس بیانات مقام معظم رهبری - به عنوان اسلام‌شناس آگاه به اقتضائات زمان و مکان - استخراج خواهد شد؛ سپس این اصول تشریح می‌شوند؛ بدین گونه که بیانات مبنایی هر اصل، در ذیل آن به همراه تاریخ ذکر می‌شود. فونت ایتالیک حاکی از نقل مستقیم بیانات است.

۲. مالی شخصی (ادبیات نظری)

مالی شخصی مطالعاتی درباره منابع مالی شخصی و خانوادگی برای دست یافتن به موفقیت مالی است. مالی شخصی شامل خرج^{۱۷}، پس‌انداز^{۱۸}، محافظت از^{۱۹} و سرمایه‌گذاری^{۲۰} منابع مالی می‌شود (گارمن و فورگو^{۲۱}، ۲۰۱۰، ص. ۴). مالی شخصی یعنی فرآیند برنامه‌ریزی مخارج و هزینه‌های خود، تأمین مالی خود و سرمایه‌گذاری برای بهینه‌سازی وضعیت مالی خود (Madura, 2013, p. 4).

در مدیریت مالی شخصی می‌خواهیم دارایی‌ها، بدهی‌ها و سرمایه خود را مدیریت کنیم، درآمد خود را افزایش داده و هزینه‌های خود را کنترل نماییم، پس‌انداز کرده و از این پس‌انداز استفاده نموده و سرمایه‌گذاری کنیم. هدف ما از آن صرفاً ایجاد یک تعادل مالی نیست بلکه برای دستیابی به یک موفقیت مالی و احساس رضایت، امنیت و آرامش در زندگی است (هراتیان، ۱۳۹۴، ص. ۵). اهداف مالی معمولاً شامل چیزهایی همچون ماشین جدید، خانه بزرگتر، آموزش پیشرفته برای مسیر حرفه‌ای، مشارکت در امور خیریه، مسافرت، بی‌نیازی در طول سال‌های کاری و بازنشستگی هستند.

۲-۱. عوامل مؤثر بر برنامه‌ریزی مالی شخصی

عوامل مختلفی تصمیم‌گیری‌های مالی روزانه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند؛ از سن و تعداد اعضای خانواده گرفته تا نرخ بهره و تورم. چنانچه مدیریت مالی شخصی را به عنوان یک سیستم در نظر بگیریم که دارای ورودی، فرآیند و خروجی است، خواهیم داشت: ورودی‌های این سیستم شامل ارزش‌ها، نگرش‌ها، سبک زندگی، خواسته‌ها، نیازها، افراد پیرامون، منابع انسانی، منابع مادی و مواد اولیه، ارتباطات، پول و ثروت شخص است. براساس این ورودی‌ها برنامه‌هایی برای هزینه‌ها و پس‌اندازها، مدیریت ریسک و...

تنظیم می‌شود تا براساس برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا، کنترل و ارزیابی و تطبیق، بازخورد، ارتباطات و دیگر تلاش‌های مدیریتی به خروجی سیستم که دست‌یافتن به اهداف مالی شخصی است نائل شوند. سه رکن اصلی و اساسی که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهند عبارتند از:

۱. موقعیت زندگی مانند: جوانی و پیری.
۲. ارزش‌های شخصی: عقاید و اصولی هستند که افراد آنها را صحیح، مطلوب و مهم می‌پندارند. ارزش‌ها به دو دسته ارزش‌های بنیادین و ارزش‌های مقطعی تقسیم می‌شوند. ارزش‌های بنیادین، ارزش‌های ثابت و غیرقابل تغییر است، مانند «صداقت» و «تعهد». اما ارزش‌های مقطعی ارزش‌هایی هستند که در هر دوره از زندگی و توسط افراد مختلف، می‌تواند متفاوت باشد، مانند توجه به زیبایی. این ارزش‌ها اثر مستقیم بر روی رفتارها می‌گذارد و نحوه هزینه کردن و پس‌انداز را نیز مشخص می‌کند. مثلاً اگر توجه به زیبایی برای کسی ارزش باشد، در آن جهت بیشتر هزینه خواهد کرد.
۳. عوامل اقتصادی مانند: قیمت‌های مصرفی، نرخ تورم، بیکاری و... (Kapoor, Diabay & Hughes, 2012, pp. 11-14). آنچه اصول عملیاتی بیان‌شده در این مقاله را پشتیبانی می‌کند «ارزش‌های شخصی» برای هر مسلمان ایرانی است.

۳. مفهوم‌شناسی مال

تعاریف و تقسیم‌بندی‌های مختلفی درباره مال وجود دارد؛ برای نمونه شرایط مالیت از نگاه فقیهان شیعه عبارت است از: قابل انتفاع بوده و نزد عقلا دارای منفعت قابل توجهی باشد. دیگر اینکه شارع آن منفعت را حلال شمرده باشد و ارزش مبادلاتی داشته باشد «يُبَدَلُ بِأَذَاهُ مَالٌ». همچنین برخی از فقهای امامیه مال را به اعتبار وجود آن در خارج، به عین، منفعت و حق تقسیم می‌کنند (موسویان و بهاری قراملکی، ۱۳۹۱، ص. ۲۲۷).

با مرور کامل بیانات مقام معظم رهبری پیرامون مسأله پژوهش، به نظر می‌رسد مفهومی که به عنوان «مال» در بیانات ایشان لحاظ می‌شود، همه نعمت‌های الهی در دسترس اشخاص اعم از آب، خاک، نان، غذا، میوه، پول و ثروت، کالاها و اجناس، مطلق دارایی‌ها

و مواردی از این قبیل را شامل می‌شود.^{۲۲} همچنین، در بیانات استفاده‌شده در پژوهش، لفظ «مال» با تکرار زیادی بیان شده است. در نتیجه، با توجه به موضوع پژوهش می‌توان اموال شخصی را تمام اموال ذکرشده با قید در مالکیت هر شخص تعریف کرد.

۴. روش پژوهش

از آنجا که هدف پژوهش استخراج اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی براساس بیانات مقام معظم رهبری است، روش بهره‌مندی از بیانات معظم‌له اهمیت پیدا می‌کند. جهت‌گیری پژوهش، بنیادی و در گروه پژوهش‌های کیفی است؛ برای استخراج اصول از رویکرد استقرایی استفاده می‌شود. راهبرد پژوهش، تحلیل مضمون است. برای کشف اندیشه مقام معظم رهبری درباره اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی به بیانات ایشان - که حاکی از اندیشه‌های ایشان است - رجوع شد. در این میان، علاوه بر تحلیل داده‌های مکتوب، از منابع الکترونیکی که توسط مؤسسه انقلاب اسلامی تهیه شده بود، استفاده شد. برای تحلیل و کدگذاری داده‌های جمع‌آوری‌شده، از نرم‌افزار اکسل استفاده شد.

۴-۲. تعریف تحلیل مضمون

مضمون یا تم^{۲۳}، بیانگر چیز مهمی در داده‌ها در رابطه با سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun, 2006, p. 88). مضمون، الگوی یافت شده از داده‌ها است که حداقل، مشاهدات را توصیف و سازمان‌دهی و حداکثر، جنبه‌هایی از پدیده را تفسیر می‌نماید (Boyatzis, 1998, p. 4).

تحلیل مضمون تکنیکی برای شکستن متن و یافتن نکات معقول و برجسته متن است (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۲۳).

تحلیل مضمون فرآیندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به‌کار رود. از تحلیل مضمون می‌توان به‌خوبی برای شناخت الگوهای موجود در داده‌های کیفی استفاده کرد (Holloway & Todres, 2003, p. 1). تحلیل مضامین، شبکه‌ای از مضامین ایجاد

می‌کند و در نهایت، با تحلیل آنها، مفاهیم کلیدی، استخراج و مدل، تبیین می‌گردد (Attride-Stirling, 2001, p. 1).

تحلیل مضمون شامل سه دسته مضمون است:

۱. مضامین پایه^{۲۴}: نکات کلیدی موجود در متن؛
۲. مضامین سازمان‌دهنده^{۲۵}: مقولات به‌دست‌آمده از ترکیب و تلخیص مضامین پایه؛
۳. مضامین فراگیر^{۲۶}: مضامینِ دربرگیرنده اصول حاکم بر کل متن.

۵-۴. مراحل اجرای تحلیل مضمون

تحلیل مضمون سه مرحله دارد. در مرحله اول، متن موردبررسی (بیانات مقام معظم رهبری) تجزیه و توصیف می‌شود. جهت این امر، لازم است پس از مطالعه و آشنایی با متن، آن را به بخش‌های کوچک‌تری تجزیه کرد و ویژگی‌های جالب متن را کدگذاری اولیه نمود. پس از کدگذاری‌های انجام‌شده، مضامین را استخراج کرد. در مرحله دوم، هم‌خوانی مضامین استخراج‌شده با کدهای اولیه کنترل می‌شود، مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انتخاب و نقشه مضامین ترسیم می‌شود، سپس مضامین، تحلیل می‌شوند. در مرحله سوم، شبکه مضامین به‌طور صریح و مختصر بیان می‌شود و گزارش علمی و تخصصی تحلیل نوشته می‌شود (عابدی‌جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۷۸).

۴-۵-۱. جامعه آماری و گردآوری داده‌ها

از آنجایی که پاسخ مسائل پژوهش مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری است، بیانات ایشان -که در نقش داده‌های اولیه این پژوهش هستند- قبل و بعد از آغاز رهبری تا پایان مردادماه سال ۱۳۹۵ از سایت رسمی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له^{۲۷} و نرم‌افزار حدیث ولایت از مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور، بررسی شد. این نرم‌افزار حاوی تمام رهنمودهای معظم‌له و باقابلیت به‌روزرسانی است. مرور کلی بیانات معظم‌له و فیش‌برداری از آن بیاناتی که مرتبط با موضوع و مسأله پژوهش است، خود نقطه قوتی برای جمع‌آوری داده‌ها نسبت به

جستجوی کلیدواژه‌ای است، زیرا با روش مذکور، بیانات مرتبطی که کلیدواژه مسأله در آنها صریحاً ذکر نشده ولی داده‌ای مناسب برای پژوهش ماست، از قلم نمی‌افتد. مضافاً بر اینکه جستجوی برخی مفاهیم مرتبط در سال‌های قبل رهبری ایشان باعث غنی‌تر شدن داده‌ها است.

۴-۵-۲. کدگذاری اولیه

پس از مرور بیانات، مطالب مرتبط با اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی استخراج شد. سپس تلاش شد هر مبحث در قالب یک یا چند فیش (یک کد یا بیشتر) ارائه شود. برای افزایش میزان اعتماد به داده‌ها، کدگذاری‌ها چندین بار در جلسات هم‌اندیشی پژوهشگران بررسی و اصلاح گردید و تعداد کدهای اولیه ۳۰۵ مورد شد.

۵. شناسایی مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر

پس از کدگذاری اولیه، پژوهشگران با انبوهی از داده‌ها روبرو شدند. در کدگذاری (مضامین) پایه، با مقایسه کدهای اولیه مختلف تلاش شد زمینه‌های مشترک آنها کشف و مفاهیم مشابه در قالب طبقه‌بندی‌های یکسان، طبقه‌بندی شوند. در مرحله کدگذاری سازمان‌دهنده، وجوه مشترک مؤلفه‌های برآمده از مراحل قبلی، شناسایی و با توجه به اشتراکات آنها در دسته‌بندی کلی‌تر و محدودتری سامان‌دهی شدند (جدول (۱)).

جدول (۱): مضامین اصول نگرشی تخصیص منابع مالی شخصی مبتنی بر بیانات

مقام معظم رهبری

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
انفاق	اصول ایجابی	اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی
قناعت و میانه‌روی		
خرج کردن به قدر نیاز همراه با مقداری گشایش		
خرید محصولات داخلی		
سرمایه‌گذاری در تولید		
پرداخت مالیات		

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
ممنوعیت مصرف‌گرایی و اسراف (انضباط مالی)	اصول سلبی (ممنوعه)	
ممنوعیت تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی		
ممنوعیت کنز کردن		
پیروی نکردن از سبک زندگی غربی		

منبع: یافته‌های تحقیق

۶. اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی

۶-۱. انفاق

در بیانات مقام معظم رهبری، انفاق یکی از چارچوب‌های مالی است. در این قسمت مبتنی بر ۲۶ فیش از بیانات ایشان، به تبیین این چارچوب می‌پردازیم.

۶-۱-۱. چستی انفاق و برخی مصادیق آن

بنابر لحن آمرانه آیات انفاق، انفاق صرفاً یک حکم اخلاقی نیست؛ بلکه یک تکلیف است. لحن «انفقوا» در قرآن همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است. باید به این نکته در مباحث اقتصادی اسلام توجه بشود.

براساس آیه (۳۴) سوره توبه^{۲۸} در اسلام، عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام است. کسانی که پول، ثروت و سرمایه را گنج و ذخیره می‌کنند درحالی‌که جامعه به آن نیاز مبرم دارد و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، مشمول «يَكْنُزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ» هستند، «فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابِ الْيَمِّ» منتظر عذاب دردناک الهی باشند. وعید دادن به عذاب الهی، نشان از حرمت این فعل دارد؛ بنابراین انفاق یک عمل واجب و لازم است.

طبق آیه (۳) سوره بقره یکی از ویژگی‌های افراد باتقوا، «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ» است. انفاق یعنی خرج مال و مراد از خرج، آن خرجی نیست که انسان برای خودش می‌کند؛ چون هر انسانی برای خودش خرج می‌کند و بی‌تقواها بیشترش را برای خوراک، لذت و

شهوته‌رانی خودشان خرج می‌کنند. پس مقصود انفاق در راه خدا، در راه اهداف والا و آرمان‌های الهی است. انفاق در آیه مذکور فراتر از زکات است. رسیدگی به همسایه‌ها و فقرا، نگهداری از معلولین، عقب‌افتادگان، کودکان و بزرگانی که از سلامت جسمی برخوردار نیستند، مصادیقی از صدقه و حسنه هستند و مدرسه‌سازی صدقه جاریه است. کمک به آزادی زندانیان جرائم غیر عمد، هزینه درمان بیماران و برگزاری سفره‌های افطاری ساده در ماه مبارک رمضان نیز مورد توجه معظم‌له قرار داشته است.^{۲۹}

۶-۱-۲. انفاق، حق سائل و محروم

انفاق علاوه بر اینکه فریضه است، حقی است در اموال ما برای سائل و محروم^{۳۰} و تقضیل نیست.

۶-۱-۳. مقدار انفاق

اسلام مردم را عادت می‌دهد آنچه را به دست آورده‌اند، به قدر نیاز متوسط زندگی توأم با مقداری رفاه، آسایش و گشایش برای خودش صرف کنند و آنچه زیاد می‌آید، باید در راه مصالح عمومی جامعه خرج بشود.

شرایط بر میزان انفاق مؤثر است. میزان انفاق و مسئولیت ناشی از آن، با سطح درآمدی اشخاص رابطه مستقیم دارد. کسانی که در طبقات بالاتر، درآمدها و امکانات بیشتری دارند، مسئولیت و تکلیف بیشتری نیز دارند. البته این به معنی ترک انفاق توسط اقشار متوسط نیست. در هر حدی که هستید به انفاق کردن عادت کنید، زیرا حداقل تقوای مطلوب قرآن این است: «و ممارزقناهم ینفقون». بلکه حتی توصیه شده‌ایم به عنوان تمرین، گاهی بر خود سخت بگیریم و بر دیگران انفاق کنیم. بسیاری از مردم ما به خودشان با روزه‌گیری سخت گرفتند و به دیگران به انواع و اقسام گوناگون انفاق کردند. اینکه انسان در انفاق مال در راه خدا، گشاده‌دستی کند، اما در زندگی معمولی صرفه‌جویی کند نیز خوب است.

اسراف بد است حتی در انفاق راه خدا: «لا تجعل یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها کل البسط» (اسراء: ۲۹)، در انفاق برای خدا هم افراط و تفریط نکنید: «و الذین اذا انفقوا لم

یسرفوا و لم یقتروا» (فرقان: ۶۷)، کسانی که وقتی می‌خواهند خرج کنند نه اسراف می‌کنند، نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خودشان، زندگی می‌کنند. اسلام نمی‌گوید مردم باید با ریاضت و زهد آن‌چنانی زندگی کنند؛ معمولی و متوسط زندگی کنند. البته معصومین (ع) در مقدار انفاق، رویه‌ای متفاوت نیز داشته‌اند. روایتی در «ارشاد مفید» است؛ راوی می‌گوید خدمت امام صادق (ع) بودیم، صحبت امیرالمؤمنین (ع) شد. امام صادق (ع) آن‌چنان که مناسب او بود، امیرالمؤمنین را مدح کرد: به تدریج، هزار غلام و کنیز را که از مال شخصی خود خریده بود، آزاد کرد. برای اینکه رضای خدا را جلب نماید و خود را از آتش جهنم دور کند... این پول‌هایی که می‌داد، پول‌هایی نبود که مفت گیرش آمده باشد. با کد یمین و عرق جبین و با کار سخت، پول به دست آورده بود.

درباره انفاق امیرالمؤمنین (ع) روایت است که در یک سال، تمام چهل هزار دینار درآمد خود را صدقه داد! همان روز که درآمد خود را صدقه داد، به بازار رفت و شمشیرش را در معرض فروش گذاشت. گفتند: یا امیرالمؤمنین! شما امروز چهل هزار دینار وجه نقد یا جنس داشتی و صدقه دادی! حالا شمشیرت را می‌فروشی؟ فرمود طبق این روایت اگر برای شام، غذا داشتیم، شمشیرم را نمی‌فروختم! این‌ها افسانه نیست؛ واقعیات است! امام حسن مجتبی (ع) چندین بار از مال خودشان یا چند بار از نصف مالشان خارج شدند؛ این جزو بزرگ‌ترین امتیازات است. حضرت خدیجه (س) از همه اموال خودش خارج شد و همه را صرف راه ترویج اسلام و تقویت پیغمبر نمود؛ بعد هم دچار آن سختی‌ها و آن مشکلات طاقت‌فرسا [شد] که یکی‌اش همین مسأله شیب ابی‌طالب بود و آن سه سالی که آنجا بودند و آن سختی‌هایی که این بزرگوار متحمل شد و این ایمان را محکم نگه داشت. قرآن درباره کسانی که قبل از فتح و بعد از فتح انفاق می‌کنند [می‌گوید] «لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ» (حدید: ۱۰) این قبل الفتح، قبل از فتح مدینه است؛ یعنی قبل از آنکه مدینه‌ای در اختیار پیغمبر قرار بگیرد و زندگی‌ای، راحتی، حکومتی، تسلطی، قدرتی در اختیار آن بزرگوار باشد؛ در حال نهایت شدت، ایشان مالشان، جانشان و راحتشان را انفاق کردند.

حال سؤال اینجاست: آیا ما نیز چنین انفاق کنیم که به شام خود نیز محتاج شویم و وسایل خود را بفروشیم؟ در این صورت جمع این روایت با بیانی که درباره زندگی

متوسط توأم با مقداری رفاه گذشت، چگونه است؟ [این دسته روایات] برای این است که درس بگیریم که از دادن خمس، ربع، نصف و عشر مالمان، زکات واجبمان و انفاق برای مستحقین، این قدر ابا داریم! اینها، نمونه‌های عالی هستند. البته نه شما، نه بزرگترهای ما، نه انسان‌های عالی‌مقام و نه ما، به حد امیرالمؤمنین (ع) نمی‌رسند و نمی‌رسیم. اما این نقل‌ها برای این نیست که ما مثل او باشیم و بگوییم: «خوب، ما که نمی‌توانیم!» بلکه برای این است که در این جهت حرکت کنیم. همه باید در این جهت حرکت کنند.

۴-۱-۶. صاحب فایده انفاق

وقتی انسان از مال خود برای رضای خدا انفاق می‌کند، فایده‌اش به چی کسی می‌رسد؟ همه خیال می‌کنند به آن کسی که پول می‌دهیم فایده می‌رسد، درحالی‌که این‌طور نیست. یعنی قبل از آنکه به او فایده برسد، اولین فایده به ما که انفاق می‌کنیم رسیده است. فایده‌ای که به انفاق‌کننده می‌رسد، قطعی، ماندگار و توشه آخرت است. دیگر فایده‌ای که به انفاق‌کننده در راه خدا و طالب رضایت او، می‌رسد، «بریدن تعلق به مال» است. شکستن حرص و بخل درونی و از بین بردن دل‌بستگی به مال و زخارف دنیوی، روح انفاق است.

۵-۱-۶. هزینه‌های بیهوده، مانع انفاق

یکی از عواملی که نمی‌گذارد دست توانمندان به یاری فقرا دراز شود، روحیه مصرف‌گرایی و تجمل در جامعه است. اسراف‌ها، تجمل‌گرایی‌ها، چشم‌وهم‌چشمی‌ها، هوس‌رانی افراد خانواده، چیزهای غیرلازم خریدن، وسایل تجملاتی، وسایل آرایش، مبلمان خانه، تزئینات داخل خانه، چیزهایی است که ما برای آن‌ها پول صرف می‌کنیم، [می‌توان این‌ها را] به فقرا کمک کرد [یا در تولید سرمایه‌گذاری کرد - چارچوب‌های بعدی] ولی ما این را صرف چیزهای ناشی از هوس، چشم‌وهم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی می‌کنیم. گاهی خرج میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است!... هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محروم‌اند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. آن‌ها که تجملات و زیادی‌های غیرضرور و ولخرج‌مآبانه را از

روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند، به خود آیند و به انفاق روی آورند. اسراف، خرج‌های بیخودی، زیاده‌روی‌های گوناگون، تجمل، اشرافی‌گری، خوراک و پوشاک و مرکب و منزل مسرفانه و نگاه‌داشتن و کنز ثروت، از نظر اسلام مذموم و منفور است.

۶-۱-۶. خیریه و انفاق

یکی از مفاهیم نزدیک به انفاق که در ادبیات مالی شخصی متعارف وجود دارد، «خیریه» است. خیریه از جهت نوع تخصیص و مصارف، انگیزه‌ها، آداب و نیت ممکن است با «انفاق» متفاوت باشد. معظم‌له در پاسخ به سؤالی چنین بیان کرده‌اند: [انفاق غیرمسلمان نزد خداوند] اجر و پاداش انفاق متقین را ندارد و آن تعالی را در او به وجود نمی‌آورد؛ اما نمی‌شود گفت به کلی هم بی‌اجر است. البته در یک جای قرآن داریم: «انما یتقبل الله من المتقین»: خدا از متقین و پرهیزگاران فقط قبول می‌کند، این همان قبول عالی است که انسان را به تکامل و به مراحل بالای معنوی می‌رساند که متعلق به متقین است. اما اگر غیرمتقین و غیرمؤمن انفاقی بکند یا یک کار خوبی انجام بدهد خدای تعالی آن کار خوب را بی‌پاداش نمی‌گذارد، یعنی، یا در همین زندگی پس از مرگ به نحوی به او پاداش خواهد داد، اگرچه آن پاداش با پاداش متقین متفاوت است.

۶-۲. قناعت و میانه‌روی

این اصل در تمام فرآیند تخصیص منابع مالی (خرید و مصرف، مدیریت پول، سرمایه‌گذاری‌ها و حتی انفاق) حاکم است. «برای متمکنین، میانه‌روی و برای قشرهای متوسط، قناعت در امور شخصی... فریضه‌ای انقلابی و رسمی اسلامی است». «منظور از قناعت، اندازه‌نگه‌داشتن است».

مخالف اصل مذکور، افراط و تفریط است. در حوزه تخصیص منابع مالی به مخارج جاری، خرید دارایی‌ها و سبک زندگی نیز این اصل معنا دارد. «اینجانب از اینکه کسانی می‌کوشند تا در میان مردم ما رسم تجمل‌گرایی و اسراف و ولخرجی را شایع کنند، شدیداً نگران و متأسفم. از اینکه مردم فداکار و انقلابی ایران در امور شخصی به مصرف‌گرایی سوق داده شوند و قناعت انقلابی را از یاد ببرند، به خدا پناه می‌برم. میانه‌روی حتی در

انفاق [لازم است]؛...میانه‌روی در خرج. باید این را به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم. قرآن می‌فرماید: کسانی که وقتی می‌خواهند خرج کنند، نه اسراف و زیاده‌روی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و با فشار بر خودشان، زندگی می‌کنند» (فرقان: ۶۷).

۳-۶. خرج کردن به قدر نیاز همراه با مقداری گشایش

یکی از اصول خرج کردن این است: «اسلام مردم را عادت می‌دهد آنچه را که به دست آورده‌اند، به قدر نیاز معمولی زندگی - نیاز متوسط، نه حالا با عسرت و فشار، ولو توأم با مقداری رفاه و آسایش و گشایش در روزی - برای خودش خرج کند». در قرآن نیز در داستان قارون به این امر اشاره شده است: «قوم قارون به او می‌گویند: «و لا تنس نصیبک من الدنیا»؛ سهم خودت را هم فراموش نکن. خودتو هم سهم و نصیبی داری، آن را هم ما نمی‌گوییم استفاده نکن، بهره‌مند هم بشو، مانعی ندارد...؛ بهترین استفاده این است که آخرت را با این آباد کنی. سهم خودت را هم داشته باش. منطق اسلام این است».

این اصل در مقابل دو مطلب قرار دارد: یکی کنز و خساست و دیگری خرج افراطی. این اصل در مقابل کنز و خساست بیان می‌کند «مال را نه به صورت راکد و نازا در بیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - آنچه از تولید ثروت به دست می‌آید، باز همان وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر نیز قرار بگیرد. مال و ثروت، بتواند مثل خونی در رگ‌های جامعه جریان پیدا کند». در مقابل خساست نیز بیان می‌کند: «تحصیل مال بکنید، اما خرج کنید». خساست، مانعی برای خرج صحیح در خوراک، پوشاک و دیگر امور جاری، ورزش و سلامتی و همچنین انفاق و توجه به مصالح عمومی و پیشرفت کشور است. این اصل در مقابله با خرج افراطی نیز قرار دارد. خرج افراطی یعنی تجمل‌گرایی، اشرافی‌طلبی و مصرف‌گرایی.

قید «مقداری گشایش» یعنی: «اسلام نمی‌گوید مردم باید با ریاضت و زهد آن‌چنانی زندگی کنند؛ نه، معمولی و متوسط زندگی کنند»؛ و از طرف دیگر «رفاه مادی، به معنای ترویج روحیه مصرف‌گرایی نیست که خود، یکی از سوغات‌های شوم فرهنگ غرب است». البته در کنار این مقداری از رفاه و گشایش، گاهی باید بر خود سخت گرفت. «گرسنگی و تشنگی کشیدن، روزه از اذان صبح تا اذان مغرب، سخت گرفتن بر خود

است. بسیاری از مردم ما به خودشان با روزه‌گیری سخت گرفتند و به دیگران انفاق کردند. برای مثال، در شب ولادت امام مجتبی (ع) در نیمه ماه رمضان، بالای سر نانوائی تابلو زده‌اند امشب به عشق امام حسن، نان از این نانوائی صلواتی است؛ [این کارها] یک تمرین دیگر است. بر خود سخت بگیریم، به دیگران انفاق کنیم».

۴-۶. خرید محصولات داخلی

یکی از مراحل پرتکرار در مالی شخصی، «خرید» است. طبق بیانات ایشان، باید به کالای داخلی توجه شده و به جای خرید مارک‌ها و برندهای خارجی، از مشابه داخلی استفاده شود. برخی فروشگاه‌ها هم هستند که فقط کالای داخلی می‌فروشند و می‌توانند محلی مناسب برای خرید باشند.

معظم‌له بارها بر خرید، مصرف و توجه به کالای داخلی تأکید، اصرار و درخواست فرموده‌اند. «ما باید عادت کنیم و برای خودمان یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولید داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جد پرهیز کنیم؛ در همه زمینه‌ها: زمینه‌های مصارف روزمره و زمینه‌های عمده‌تر و مهم‌تر. استفاده از کالای داخلی مجاهدت اقتصادی است. مصرف‌کننده ایرانی باید برای آن چیزهایی که در داخل تولید می‌شود، ارجحیت قائل باشد و دنبال مارک خارجی ندود... کسانی که مصرف‌کننده هستند - که همه ملت ما در واقع مصرف‌کننده‌اند - محصولات داخلی را مصرف کنند که من روی این بارها و بارها تکیه کردم. آحاد مردم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند. ارز برای اقتصاد کشور اهمیت دارد؛ علی‌الخصوص در شرایط تحریم. یکی از مواردی که باید توجه بشود مصرف نشدن ارز با اهمیت [است]؛ ارز کشور برای کالاهای مصرفی، مصرف و هزینه نخواهد شد. اگر مصرف‌کنندگان، متقاضی کالاهای مصرفی خارجی نباشند، طبیعتاً برای کالای مصرفی خارجی، ارز هزینه نمی‌شود.

وقتی در ساخت موفق ساختمان اجلاس بین‌المللی، نودوچند درصد مصالح از تولیدات داخلی بود، به‌طریق‌اولی مصرف کالاهای، لوازم و محصولات زندگی شخصی و خانوادگی ساخت داخل، می‌تواند موفق باشد. ریشه خرید محصولات داخلی، اصل «خوداتکائی» و «ما می‌توانیم» است. اهمیت مسأله استقلال در همه عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و درگیری ما با استکبار در این عرصه، ما را ملزم به این چارچوب می‌کند.

«من فقط برای متدینین و افرادی که برای حرف ما حجیت شرعی قائل‌اند، این [خرید محصولات داخلی] را نمی‌گویم؛ برای هرکسی که به ایران و آینده کشور علاقه‌مند است، به فکر بچه‌های خودش است که بنا است فردا در این کشور زندگی کنند، به همه مردم، به‌خصوص کسانی که مصارف زیادی دارند [می‌گویم]. ثمرات استفاده از کالای داخلی عبارتند از: ایجاد اشتغال، حمایت از کارگر و سرمایه‌گذاری ایرانی، رشد و نمو، افزایش ابتکارات و شکوفایی استعدادهای جوانان، حمایت از کارگاه تولیدی داخلی، پیشرفت کشور و افزایش ثروت ملی. با خرید محصولات داخلی، تولید رونق می‌گیرد و در نتیجه پس‌اندازهایی که راکد هستند، به گردش می‌افتند و خودشان برای کشور تولید ثروت می‌کنند».

آثار منفی استفاده از کالای خارجی‌ای که مشابه داخلی دارد عبارتند از: ورشکستگی کارخانه‌ها، بیکاری، ناامیدی سرمایه‌گذار و در نتیجه، اعتیاد، فساد و اختلالات خانوادگی پدید می‌آیند و به دنبال آن، حوادث سیاسی و اجتماعی فراوان. بنابراین، از یک‌چیز کوچکی شروع می‌شود؛ از یک اراده شخصی من و شما. پس اراده شخصی افراد هم حتی در تحولات اجتماعی، می‌تواند اثرگذار باشد.

علل استفاده از کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارند عبارتند از: تبلیغات خارجی، رسوبات فرهنگی قبلی دال بر بی‌فایده بودن جنس داخلی، [توجه به] نام و نشان، برای پز دادن، خودنمایی کردن و دنبال برند رفتن^{۳۱}. «یک مقدار هم شاید به خاطر مرغوب‌تر بودن جنس خارجی - این مرغوب‌تر بودن هم ممکن است یکی از عوامل باشد، لیکن به‌هر حال تعیین‌کننده نیست». یک عده‌ای خوششان می‌آید که بگویند فلان نشان خارجی روی لباس‌شان هست یا روی وسیله خوراکی‌شان هست؛ این یک بیماری است که باید

علاج کرد. مصرف‌کننده ایرانی دنبال اسم و مارک خارجی ندود. فروش و مصرف کالای خارجی باید در جامعه، ضدارزش شناخته بشود، مگر آنجایی که مشابه داخلی اش نیست.

۶-۵. سرمایه‌گذاری در تولید

۶-۵-۱. نظر اسلام درباره تولید ثروت

از نظر اسلام، تولید ثروت اگر همراه با دست‌درازی به اموال عمومی، قانون‌شکنی، اسراف، ولخرجی، مصرف‌گرایی و کنزکردن نباشد، مطلوب و مستحسن است. آنچه از تولید ثروت به دست می‌آورد، باز همان را وسیله‌ای برای تولید ثروت دیگر بکنید...؛ ثروت آحاد مردم، ثروت عموم کشور است؛ همه از آن سود می‌برند. تولید به معنای عام خود، به معنای تولید محصول^{۳۲} است؛ یعنی شامل تولید کالا^{۳۳} و خدمات^{۳۴} و محصولات کشاورزی می‌شود؛ تولید صنعتی، کشاورزی و خدمات.

۶-۵-۲. نیاز کشور به سرمایه‌گذاری در تولید

از ارکان تولید و رشد اقتصادی، سرمایه است. امکانات موردنیاز برای یک تولید موفق در یک کشور، عمدتاً نیروی انسانی، مهارت، سرمایه و ابزار کار لازم و پیشرفته است. غالباً گفته می‌شود که ما سرمایه لازم برای اینکه تولیدکننده را بتوانیم به تولید وادار کنیم نداریم؛ بنده این را قبول ندارم. علاوه بر امکانات شخصی - که اشخاص خودشان امکاناتی دارند - دولت توانسته است صندوق توسعه ملی را به وجود بیاورد. با فراهم آمدن سرمایه مناسب جهت تولید، بسترهای اشتغال‌زایی نیز فراهم می‌شود و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و روانی ناشی از بیکاری نیز کاهش می‌یابد. از فواید اقتصادی رونق تولید این است که پس‌اندازهای راکد نیز به گردش می‌افتد و آنها هم برای کشور تولید ثروت می‌کنند. فایده دیگر این‌که وقتی که بازار تولید رونق داشته باشد، استعداد جوان‌ها شکوفا می‌شود و ابتکارهایی را به میدان می‌آورند. البته مردم باید از فرصت‌های موجود سرمایه‌گذاری در کشور همراه جزئیاتش مطلع شوند تا بتوانند سرمایه‌گذاری بهینه را انتخاب کنند. مردم باید در جریان جزئیات کار قرار بگیرند و بدانند که در کجا می‌توانند فعالیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری کنند، چطور می‌توانند در یک تعاونی وارد شوند. مضافاً بر این‌که اساساً مردمی کردن اقتصاد به همین معناست، نه اینکه یک عده خاص با رانت اطلاعاتی به این

فرصت‌ها دست یابند: یکی از کارها، دخالت دادن مردم در کار تولید است. ما سیاست‌های اصل ۴۴ را که چند سال پیش ابلاغ کردیم. جمهوری اسلامی در کار دفاع از کشور با مدیریت درست و با گزینش‌های صحیح توانست مردم را بسیج و وارد میدان کند و جنگ را ببرد. وقتی مردم در کار دفاع از مرزها - کاری که مربوط به دولت‌ها و ارتش‌ها است - وارد میدان شدند، توانستند پیش بروند؛ بسیاری از برجستگان نظامی ما، مردمی و بسیجی‌اند؛ هم مبارزه کردند و بسیجی هم شهید شدند؛ خب کار اقتصاد به طریق اولی [همین‌طور است]. کار اقتصاد یک کار مردمی است؛ اگر در زمینه مسائل اقتصادی مردم را در میدان وارد بکنیم و مردم نقش‌آفرین بشوند در میدان اقتصاد و میدان تولید، یقیناً پیش خواهد رفت. البته سرمایه‌گذاری هم در کسب‌وکارهای بزرگ و هم در کسب‌وکارهای کوچک^{۳۵} موضوعیت می‌یابد که اتفاقاً کسب‌وکارهای کوچک فرصت - برای سرمایه‌گذاری است که نباید از آنها غافل شد. این نوع سرمایه‌گذاری‌ها نیز بارها مورد توجه مقام معظم رهبری بوده است.

۳-۵-۶. قید ویژه سرمایه‌گذاری؛ سرمایه‌گذاری در جهت پیشبرد مملکت

سرمایه‌گذاری در ادبیات متعارف مالی در انواع اوراق بهادار و کالاهای سرمایه‌ای (مانند دارایی‌های فیزیکی و جواهرات) مورد توجه قرار می‌گیرد. دو معیار ریسک^{۳۶} و بازده،^{۳۷} شاخص‌هایی هستند که با توجه به آنها سرمایه‌گذاری بهینه انتخاب می‌شود. در بیانات ایشان، معیار دیگری نیز به چشم می‌خورد و آن این است که آیا سرمایه‌گذاری به تولید و پیشرفت کشور کمک می‌کند یا خیر؟ در اندیشه ایشان، پیشرفت کشور جایگاه ویژه‌ای دارد. «صاحبان سرمایه در کشور، فعالیت تولیدی را ترجیح بدهند بر فعالیت‌های دیگر. ما دیدیم کسانی را که سرمایه‌ای داشتند، می‌توانستند این راه‌هایی به کار بیندازند و درآمدهای زیادی کسب کنند، نکردند. رفتند سراغ تولید. گفتند می‌خواهیم تولید کشور تقویت بشود؛ این حسنه و صدقه است. کسانی که دارای سرمایه هستند - چه سرمایه‌های کم، چه سرمایه‌های افزون - آن را بیشتر در خدمت تولید کشور بگذارند». سرمایه‌گذاری‌ها باید طوری باشد که به پیشرفت کشور نیز بیانجامد. این معیار، لازم است فرای معیارهایی

نظیر ریسک و بازده در تصمیم‌گیری‌های اشخاص و حتی نهادهای سرمایه‌گذاری لحاظ بشود.

۴-۵-۶. اسراف و تجمل‌گرایی، مانعی برای سرمایه‌گذاری در تولید

بسیاری از کسانی که سرمایه، پول و درآمدهای کلان دارند، نمی‌دانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. پول را به‌جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات می‌کنند؛ سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسایل خانه، وسایل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه نسبت به ثروت است. پول و درآمد را می‌توان سرمایه‌گذاری کرد. در مصارف گوناگون شخصی و خانوادگی، اسراف فردی صورت می‌گیرد. پولی که می‌تواند در تولید سرمایه‌گذاری شود، کشور را پیش ببرد. این را ما صرف می‌کنیم به چیزهای ناشی از هوس، چشم‌وهم‌چشمی، آبروداری‌های خیالی. همین پولی که صرف این تجملات می‌شود، در تولید برای خودشان به‌کار بیندازند، در کارخانجات سهیم شوند و تولید کنند، باز برای کشور مفید است.

۵-۵-۶. بورس‌ها، بازاری برای سرمایه‌گذاری در تولید

می‌شود پول و درآمد را، سرمایه‌گذاری کرد. امروز وسایل این کار فراهم است. با فعال شدن بورس‌هایی که در کشور هست، می‌توان سرمایه‌گذاری کرد. همه می‌توانند آنچه را دارند، در سرمایه‌گذاری‌ها دخالت بدهند. از مزایای بورس‌ها این است که هر شخص می‌تواند در هر مقداری -چه کم و چه زیاد- با رعایت مقررات، در امر تولید و پیشبرد کشور سهیم باشد.

۶-۶. پرداخت مالیات

مالیات یک فریضه و یک امر الزامی و شرعی است. ایشان مالیات را انفاق واجب در سیستم مالی نیز برشمرده‌اند و تصریح کرده‌اند اسلام شئون حکومت از جمله مالیات را از دین دانسته است. شنیده‌شده بعضی، مالیات را در وقت و به اندازه نمی‌دهند؛ این امروز خیانت است. مردم باید به دولت اسلامی بیش از مالیات هم کمک کنند؛ حداقل آنچه باید بدهند مالیات است، این یک واجب شرعی است. فرار مالیاتی جرم است. بسیاری هستند که ثروت‌های بادآورده‌ای دارند، مالیات نمی‌دهند، از اموال عمومی به‌نفع شخصی

خود استفاده می‌کنند و بدون استحقاق بسیاری هستند که مالیات و حقی را که متعلق به مردم است، از درآمد و کسب خود منع می‌کنند و نمی‌دهند. این، کار ناروایی است. در جامعه ما باید در همه ذهن‌ها و فکرها جا بیفتد که منع مالیات و منع ادای حقوق عمومی دولت و ملت، یک خلاف و یک گناه است.

در ادبیات مالی شخصی متعارف برنامه‌ریزی مالیاتی^{۳۸} به دنبال راه‌های قانونی برای کاهش، حذف و یا تعویق مالیات بر درآمد است (Garmen, 2015, p. 106). اکثر مردم می‌خواهند سهم مناسبی از مالیات پرداخت کنند؛ نه بیشتر، نه کمتر. آنها با تمرین اجتناب مالیاتی^{۳۹} یعنی استفاده از روش‌های قانونی برای کاهش مالیات‌های خود، اینکار را انجام می‌دهند. در مقابل این امر، فرار از مالیات^{۴۰} یعنی استفاده از اقدامات غیرقانونی برای کاهش مالیات‌های شخصی قرار دارد. می‌توان تحمیل مالیاتی را به وسیله‌ی تصمیمات برنامه‌ریزی مالی دقیق مرتبط با خرید مشتری، استفاده از بدهی، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بازنشستگی کاهش داد (Kapoor, Diabay & Hughes, 2012, pp. 128-132). ادبیات مالی متعارف نیز فرار مالیاتی را توصیه نمی‌کند، بلکه اجتناب مالیاتی را توصیه می‌کند. یعنی کاهش مالیات با روش‌های قانونی؛ مالی شخصی متعارف، حالت مطلوب را پرداخت مالیات به اندازه‌ی کمتر و نه بیشتر - می‌داند. من یک‌وقت به جمعی از انجمن‌های اسلامی بازار تهران گفتم شما باید چهره سوءاستفاده کن را افشا کنید. باید شگردهای مخصوصی را که برای فرار از مالیات، فرار از قانون و ارتکاب تخلف و تقلب به کار می‌بندند، برای مأموران دولت و مسئولان کشور افشا کنید. اینکار هنوز هم باید بشود.

در بیانات معظم‌له مالیات صحیح به نفع کشور و برای طبقات کم‌درآمد و در خدمت مصالح اسلامی است و باعث کاهش فاصله طبقاتی می‌شود.

۶-۷. ممنوعیت مصرف‌گرایی و اسراف (انضباط مالی)

مصرف‌زدگی و اسراف دو مفهوم ممنوع هستند که در بیانات مقام معظم رهبری، معمولاً با یکدیگر استفاده شده‌اند. نقطه مقابل این امور، انضباط مالی است.

۶-۷-۱. اهمیت ممنوعیت مصرف‌گرایی و اسراف

در اداره اقتصاد یک ملت، مصرف یک رکن عمده است. مصرف درست، خوب، دور از اسراف، تبذیر و اتلاف مال. با این بیان واضح است توجه به اقتصاد و بهبود و اصلاح آن، مستلزم توجه، بهبود و اصلاح «مصرف» است. مصرف در سطوح مختلف خود-از جمله سطح شخصی- بر اقتصاد آحاد مردم و کشور مؤثر است. در شرایطی که اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبرد اقتصادی کشور تعیین شده، از ویژگی‌های سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مسأله اصلاح الگوی مصرف است؛ صرفه‌جویی، پرهیز از ریخت‌وپاش، پرهیز از اسراف، پرهیز از هزینه‌کردهای زائد.

۶-۷-۲. مفهوم مصرف‌گرایی و اسراف

اسراف یعنی مصرف بیش از قدر احتیاج؛ مصرف بی‌اندازه، بی‌رویه، بدون منطق و تدبیر عقلانی، ریخت‌وپاش، ولخرجی و تضييع اموال و هزینه‌کردهای زائد. باتوجه به تعریف اسراف طبق مؤلفه‌های فوق دریافت می‌شود اسراف یکی از ممنوعیت‌ها در حوزه تخصیص منابع مالی شخصی است، زیرا مؤلفه‌های ولخرجی و ریخت‌وپاش -مربوط به قسمت خرج و خرید در مالی شخصی، هزینه‌کردهای زائد -مربوط به مدیریت هزینه‌ها- و مفاهیم اندازه، رویه و تدبیر عقلانی مصرف نیز در کل فرآیند مالی شخصی وجود دارد. استفاده معظم‌له از واژه اسراف در عباراتی مانند «اسراف در وسایل زندگی» و هم‌نشینی آن با «زیاد خرید کردن» نیز مؤیدی بر این ادعاست. در نتیجه در مدیریت مالی شخصی -به معنی مصطلح آن- اسراف ممنوع است. اسراف در آب، نان، مواد غذایی، وسایل زندگی، زیاده‌روی، زیاد خریدن، زیاد مصرف‌کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل‌استفاده است، این‌ها تضييع نعمت خداست. مصرف‌گرایی نیز مفهومی شبیه اسراف است؛ مصرف‌زدگی یعنی حرص به متاع و کالای دنیا. هجوم به کالایی که شایعه کمیابی آن است نمونه‌ای از مصرف‌گرایی است.

۶-۷-۳. مصرف غیرمصرفانه

مصرف خوب و درست، غیر از اسراف و دور ریختن و ریخت‌وپاش کردن است. اسراف و مصرف‌گرایی شیوه‌ای غلط در مصرف است. در بیانات ایشان، شیوه صحیح مصرف با

مؤلفه‌های مصرف متعادل، دور از اسراف و تبذیر، میانه‌روی برای متمکنین و قناعت در امور شخصی برای اقشار متوسط و صرفه‌جویی بیان‌شده است. صرفه‌جویی به معنای گدابازی نیست که بعضی بگویند چرا نمی‌گذارید مردم از نعمت‌های خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده‌روی نکنند. همچنین قناعت و صرفه‌جویی با «ریاضت» تفاوت دارد. بنده ملت ایران را به «ریاضت» دعوت نمی‌کنم. فضای غم‌آلود ریاضت، از زندگی این مردم دور باد! من مردم را به «قناعت» دعوت می‌کنم؛ قناعت سرافرازانه، قناعت انسان عاقل و خردمندی که می‌داند آینده خود را با قناعت تأمین می‌کند و زندگی و روال اقتصادی کشور را تسهیل و به مسئولین کمک می‌کند که بتوانند تدابیر صحیح را در کار اداره مملکت اعمال کنند. بحمدالله ملت ما احتیاج به ریاضت ندارد. من آنها را به قناعت، صرفه‌جویی و اسراف نکردن دعوت می‌کنم. برخی تصور می‌کنند مصرف‌گرایی و اسراف، جود و سخا و بزرگ‌منشی است. یا چون خود توانایی مالی دارند، پس می‌توانند هرطور که خواستند سبک مالی و مصرفی خویش را انتخاب کنند. درحالی‌که ریخت‌وپاش مالی و زیاده‌روی در خرج کردن و زیاده‌روی در مصرف، به‌هیچ‌وجه صفت خوبی نیست. نه اسمش جود و سخاست و نه گرم و بزرگ‌منشی است. فقط اسمش «بی‌انضباطی اقتصادی و مالی» است. کسانی که بی‌خود و زیادی خرج می‌کنند و رعایت موجودی جامعه را از لحاظ امکانات اقتصادی نمی‌کنند، بی‌انضباط از لحاظ امکانات اقتصادی و مالی هستند. به کسانی که بی‌خود خرج می‌کنند، اگر بگوییم شما چرا این قدر خرج کردید و چرا این میهمانی بیخود و بی‌جهت را با این همه ریخت‌وپاش ترتیب دادید؟ می‌گویند داریم و می‌کنیم! این دلیل به‌هیچ‌وجه دلیل قانع‌کننده‌ای نیست. باید به قدر نیاز و حاجت، خرج و مصرف کرد. در اموال شخصی و مالی که از راه حلال هم به دست آمده باشد، ریخت‌وپاش غلط و خلاف انضباط است.

جمع‌بندی این است که مفهوم مقابل مصرف‌زدگی و اسراف «انضباط مالی» است. همچنین ایشان «انضباط مالی» را در کنار عبارات صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه به مصرف‌گرایی ذکر کرده‌اند؛ این خود مؤیدی بر این ادعاست که ممنوعیت مصرف‌گرایی و اسراف، در رعایت «انضباط مالی» تجلی می‌یابد. مفهوم بی‌انضباطی مالی، در بیانات قبلی دیده شد. بیخود و زیادی خرج و مصرف کردن و رعایت امکانات جامعه را در

خرج کردن‌های خود نکردن، از مؤلفه‌های بی‌انضباطی مالی است. این مفهوم در رابطه با اموال شخصی و عمومی، هردو، مطرح می‌شود. براساس بیانات ایشان می‌توان مصرف صحیح را در مقابله با مصرف‌زدگی و اسراف، این‌گونه نیز تعریف کرد: مصرف صحیح به معنای مصرف به‌اندازه، دور از تزیین نعمت-های الهی و زیاده‌روی، درست و به‌جا مصرف کردن و مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است.

۴-۷-۶. حرمت شرعی و ممنوعیت عقلی اسراف

چه اسراف مال و چه اسراف نعمت‌های الهی، تزیین و تلف کردن نعمت است؛ خلاف شرع، گناه و حرام است. از نظر منطق عقلانی و اداره کشور هم، یک کار ممنوع و زشت است. اسراف یک لجنزار و وسوسه شیطانی، یک منکر دینی، اقتصادی و اجتماعی و قدر نشناختن و تزیین نعمت‌های الهی است.

۵-۷-۶. وجود مسأله مصرف‌گرایی و اسراف

تا وقتی الگوی مصرف را اصلاح نکنیم، تا وقتی ندانیم آب، برق و نان و... پول را چطور باید مصرف کرد، مشکلات ما به حال خود باقی خواهند ماند. گاهی در میان مردم، چیزهایی مشاهده می‌شود که خوب است مشاهده نشود. اسراف‌ها و ریخت‌وپاش‌ها، جزء نیابدهاست. در زمینه مصرف‌گرایی نیز این مشکل وجود دارد. تا یک شایعه‌ای درست می‌شود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند. ما این ضعف را باید برطرف کنیم.

۶-۷-۶. آثار مصرف‌گرایی و اسراف

توجه به آثار مصرف‌گرایی و اسراف، اشخاص را مجاب می‌کند که این چارچوب -یعنی انضباط مالی؛ ممنوعیت مصرف‌گرایی و اسراف- را آسان‌تر و منطقی‌تر در مالی شخصی رعایت نمایند. به‌عبارت‌دیگر فهم آثار این اصل، نقش اقناعی دارد.

۶-۷-۶-۱. ضرر مصرف‌گرایی و اسراف در هر دو سطح شخصی و کلان

مصرف بی‌رویه، بدون منطق و بدون تدبیر عقلانی، به ضرر کشور و آحاد و اشخاص ماست. اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش که در اسلام این‌همه مذمت شده است، سرنوشت اقتصاد ملی را تعیین می‌کند؛ چنانچه از اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقدها، در عروسی‌ها، در بقیه مراسم و چه بقیه چیزهای دیگر پرهیز بشود، به اقتصاد ملی کمک می‌شود.

۶-۷-۶-۲. نرسیدن نعمت‌های الهی به برخی افراد

اسراف، باعث می‌شود نعمت‌های الهی به برخی افراد نرسد. در جمهوری اسلامی، کسانی هستند که دست‌شان به نعمت‌های الهی نمی‌رسد. نه به‌خاطر این‌که کم داریم، به‌خاطر این‌که بسیاری به خودشان حق می‌دهند که نعمت‌های الهی را بی‌حساب و کتاب و بی‌اندازه مصرف کنند. چقدر نان، غذای طبخ شده و میوه مصرف نشده ضایع می‌شود. چقدر لباس چند برابر زیادتر از اندازه لازم خریداری می‌شود و در خانه‌ها و صندوق‌ها می‌ماند، برای این‌که یک‌بار در مراسمی پوشیده شود! این‌ها اسراف است.

۶-۷-۶-۳. فزآینده شکاف طبقاتی

اسراف، شکاف و فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد؛ زیرا مالی که می‌توانست در اختیار قشر مستضعف قرار بگیرد یا لااقل درست مصرف شود، علاوه‌بر این‌که در اختیار قشر مستضعف قرار نگرفت، توسط قشر پردرآمدتر و مرفه، به صورت غلط مصرف شد. البته این قضیه فقط منحصر به قشر مرفه نیست؛ اقشار متوسط نیز بر این امر مؤثر هستند. اسراف، روزبه‌روز شکاف‌های طبقاتی بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیق‌تر می‌کند.

۶-۷-۶-۴. اختلال روانی و اجتماعی

برای مثال، در همسایگی خانواده‌ای فقیر، خانواده پردرآمدی زندگی می‌کند. این خانواده اقدام به برپایی جشن تولد برای فرزند خود کرده و چندین نوع غذا و شیرینی برای مهمانان تدارک دیده است. مهمانی تمام می‌شود، غذا و شیرینی‌های اضافی پس از مهمانی، به سطل زباله ریخته می‌شود. با توسعه و فراگیر شدن شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی،

امکان آگاهی افراد از وقایع پیرامون خود و جامعه افزایش یافته است؛ علی‌الخصوص در شرایطی که افراد با شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام، واتس‌آپ و... گزارشی از خوراک‌ها و تفریحات خود در فضای مجازی نیز منتشر می‌کنند! با کمی تأمل و هم‌زادپنداری، روشن می‌شود این اتفاقات چه تأثیری بر فرزند کوچک همسایه -خانواده- ای فقیر- خواهد گذاشت و بالتبع والدین وی چه حال روحی و روانی‌ای پیدا خواهند کرد. این کارها زندگی دیگران را از لحاظ روانی مختل می‌کند. شما مثلاً مبالغه زیادی مواد خوراکی در فلان مهمانی معمولی مصرف می‌کنید؛ درحالی‌که لازم نیست و در کنار شما و در همسایگی شما در یک محل دورتر، ولو در اقصی نقاط کشور، کسانی به این مواد غذایی برای ادامه زندگی خود و فرزندان و عزیزانشان نیاز مبرم دارند. آیا این کار در چنین شرایط کار درستی است؟

۶-۷-۵. امیدواری دشمن به تحریم و تکمیل‌کننده ضربه او

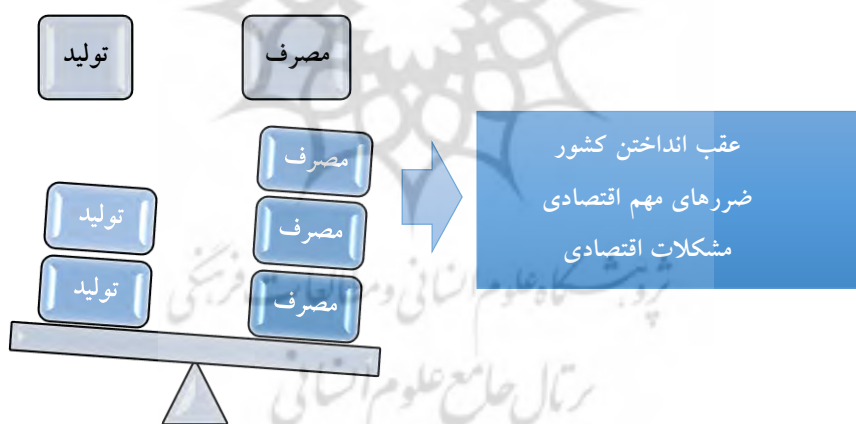
مصرف‌گرایی و اسراف در کالاها و محصولات که در داخل کشور کمیاب است و تولید آن نیازمند ارز خارجی یا مواد اولیه وارداتی است، کشور را نیازمند می‌کند. اگر فناوری تولید این محصولات در داخل موجود نباشد، کشور مجبور به واردات این محصولات می‌شود. این نوع وابستگی بیش‌ازحد به ارز و محصولات وارداتی که ناشی از مصرف‌گرایی و اسراف است، باعث می‌شود در شرایط تحریم کشور آسیب‌پذیر شده و دشمن به تحریم امیدوار شود. همچنین گسترش روحیه مصرف‌گرایی به‌طور عمومی و علی‌الخصوص در مورد کالاهای لوکس و خارجی به این آسیب‌پذیری می‌افزاید.

اینکه می‌بینید بعضی از دولت‌های خارجی، دائم ملت ما را تهدید می‌کنند که تحریم می‌کنیم به‌خاطر این است که چشم امیدشان به همین خصوصیت منفی ماست. ما اگر آدم‌های اهل اسراف و ولنگاری در خرج باشیم، ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که حساب کار، دخل و خرج و مصلحت خود را دارد، زیاده‌روی و اسراف نمی‌کند؛ بر چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمی‌شود. اسراف همان کاری را با کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد! او از آن طرف به‌وسیله نفت، به‌وسیله تحریم

اقتصادی و انواع و اقسام ضربه‌ها بر ملت ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خود ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه او را تکمیل می‌کنیم!

۶-۷-۶. آثار مصرف‌گرایی

تولید جامعه همیشه باید بر مصرف جامعه افزایش داشته باشد. جامعه از تولید موجود کشور استفاده کند. آنچه زیادی هست، صرف اعتلای کشور شود. امروز در کشور ما مصرف ما به نسبت، از تولیدمان بیشتر است؛ این، کشور را به عقب می‌رساند و جامعه دچار مشکلات اقتصادی می‌شود. مصرف‌گرایی در جامعه‌ای که تولیدش کمتر از مصرفش است، اثر تخریبی بیشتری دارد. زیرا با فرض ثابت بودن تولید، در اثر مصرف‌گرایی شکاف بین عرضه و تقاضا افزایش می‌یابد و اگر جامعه نتواند سطح تولید را به اندازه مصرف برساند، به کشورهای دیگر احتیاج پیدا خواهد کرد و در نتیجه استقلال اقتصادی کشور نیز متزلزل می‌شود. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدان‌های مختلف شکست خواهد خورد.



شکل (۱): تبعات مصرف بیش از تولید

منبع: یافته‌های تحقیق

هجوم برای جمع کردن کالایی که شایعه شده کمیاب است، از مصادیق مصرف‌گرایی است؛ اثر این اتفاق آن است که اگر آن جنس کم هم نباشد، همین هجوم مردم آن را کم می‌کند.

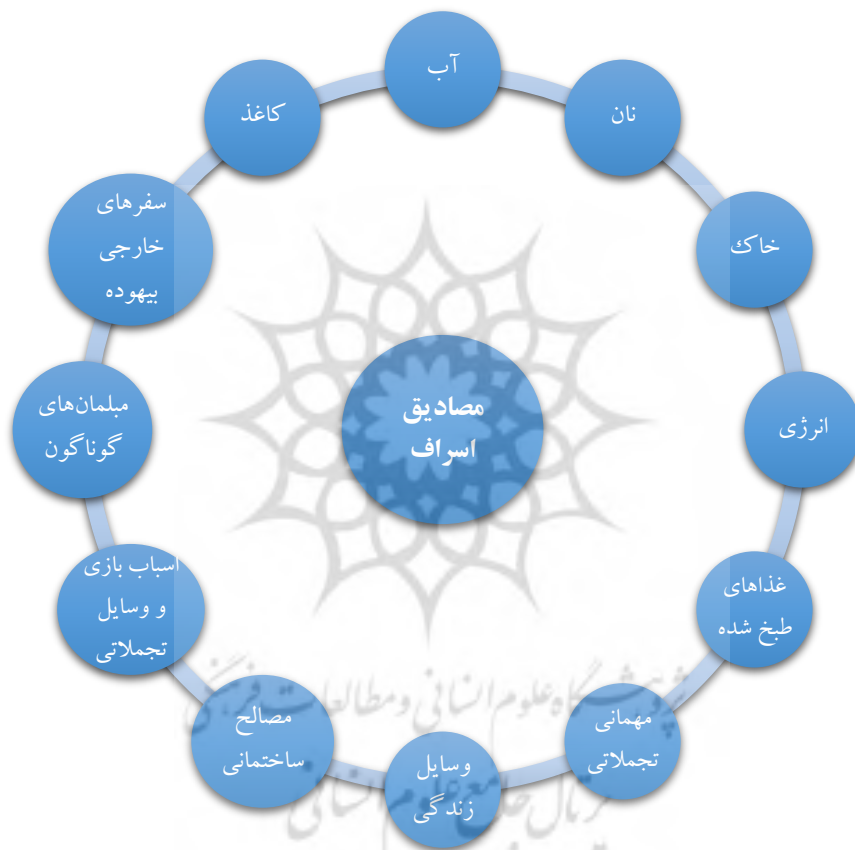
۶-۷-۷. مصادیق مصرف‌گرایی و اسراف

برخی مصادیق مصرف‌زدگی و اسراف به‌طور خاص از بیانات ایشان در ادامه ذکر خواهد شد. شایسته است به این مصادیق خاص توجه بیشتری شود.

اسراف در چیزهایی که به‌نظر کوچک می‌آید مثل اسراف در مصرف بی‌رویه آب، نان، مواد غذایی، غذای طبخ شده، میوه مصرف‌نشده، دارو، لباس زیادتر از اندازه لازم، وسایل زندگی، وسایل تجمل و آرایش، زیاد خریدن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است؛ مانند این‌ها، بخش مهمی از منابع زنده کشور را هدر می‌دهد. در روایت دارد کسی میوه‌ای خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام به او نهیب زد که اسراف؟ در روایات هست از دانه خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتل‌ها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه اینکه بهداشتی نیست، در سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه‌ی اسلامی است؟ اسراف در برق، اسراف در مصالح ساختمانی، اسراف در انواع و اقسام کالاهای گوناگون، اسراف در اسباب‌بازی بچه و در وسایل تجملاتی! از بین بردن خاک؛ خاک یک ثروت است. اتلاف منابع عمومی، اتلاف منابع حیاتی، اتلاف وسایل سوخت. ما این همه ضایعات نان داریم. طبق بعضی از آمارهایی که به ما دادند، مقدار ضایعات نان ما برابر است با مقدار گندمی که از خارج وارد کشور می‌کنیم! آیا این جای تأسف نیست؟! از دیگر مصادیق اسراف، اسراف در کاغذ است. باید روی بازیافت، صرفه‌جویی و تولید کاغذ داخلی کار شود. یعنی کاری کنند که در کاغذ صرفه‌جویی شود. امروز باینکه آدمی گاهی فکر می‌کند که دیگر حالا دوران «ادقوا اقلامکم قاربوا بین سطورکم» نیست، می‌بینیم نه! اتفاقاً بازهم دوران همین‌هاست. بازهم باید قلم‌ها را ریز تراشید تا کاغذ کمتر مصرف شود و بازهم در باب کاغذ صرفه‌جویی کرد تا به نیاز جامعه برسد.

ایشان بر اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقده‌ها، در عروسی‌ها، در بقیه مراسم [ها] و ایامی مانند ایام عید تأکید داشته‌اند. برخی مصادیق اسراف سازمانی نیز وجود دارد که این نوع اسراف‌ها ریشه در سبک‌زندگی شخصی نیز ممکن است داشته باشد. تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بیهوده، مسلمان‌های گوناگون از مصادیق اسراف هستند. همچنین

ایشان به‌طور جداگانه از سطح اسراف سازمانی، در سطح شخصی صرف ثروت در تجملات، سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسایل خانه، وسایل زندگی را یک حرکت مسرفانه نسبت به ثروت دانسته‌اند.



شکل (۲): مصادیق اسراف

منبع: یافته‌های تحقیق

۸-۶ ممنوعیت تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی

تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی، ضد ارزش هستند و جامعه اسلامی باید از این آفت، دوری کند. هرگز در تاریخ، کشوری را به خاطر وسعت بازرگانی یا تجملات زندگی یا مصرف

زیاد و این‌گونه چیزها ستایش نمی‌کنند؛ مگر زبانه‌های سطحی جو و مغزهای سطحی‌نگر. آن‌ها که تجملات و زیادی‌های غیر ضرور و ولخرج‌مآبانه را از روی بی‌دردی ناشی از وسعت و توانایی مالی انجام می‌دهند، به‌خود آیند و به انفاق روی آورند و آنان‌که با سختی و تنگ‌دستی، بر خود چنین چیزی را تحمیل می‌کنند، از این امر خسارت‌بار دست بکشند. روحیه اشرافی‌طلبی و تجمل‌گرایی ناشی از اموری مانند هوس‌رانی، چشم‌وهم‌چشمی و آبروداری‌های خیالی است. «مسافرت می‌روند، می‌آیند، میهمانی درست می‌کنند - گاهی خرج آن میهمانی، از مسافرت مکه‌ای که رفته‌اند، بیشتر است! - عروسی یا عزا می‌گیرند؛ هزینه‌ای که برای این میهمانی‌ها مصرف می‌کنند، هزینه‌های گزافی است؛ انواع غذاها! چرا؟ چه خبر است؟ در کشور ما هنوز هستند کسانی که از اولیات هم محروم‌اند. باید کمک کنیم کشور پیش برود. استفاده از کالاهای لوکس که قاچاق نیز هستند و ماشین‌های کذایی برای رژه رفتن و پزدادن، دیگر مصادیق اشرافی‌طلبی و تجمل‌گرایی است. در اموری مانند افطار دادن - که فی‌نفسه امری نیک و مبارک است - نیز تجمل‌گرایی و ریخت‌وپاش مذموم است؛ به‌عنوان مثال ایشان بارها از افطاری‌های ساده تجلیل و افطاری‌های تجملاتی و ریخت‌وپاش گونه را مذمت کرده‌اند. پرداختن به اشرافی‌طلبی و تجمل‌گرایی باعث می‌شود پولی که می‌توانست صرف امور پسندیده‌ای مانند سرمایه‌گذاری در تولید و انفاق بشود، صرف امور بیهوده گردد. نقطه مقابل تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی، قناعت انقلابی است. در نتیجه، اشخاص باید مراقب باشند در فرآیند تخصیص منابع مالی شخصی، گرفتار تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی نشوند و قناعت انقلابی را از یاد نبرند.

۹-۶. ممنوعیت کنز کردن

۹-۶-۱. مفهوم کنز کردن و مذمت آن

مال را به‌صورت راکد و نازا درنیاورید - که در اسلام اسمش کنز کردن است - با توجه به این‌ها، ثروت را برای خودتان تولید کنید.

یکی از نقاط افتراق و تضاد اقتصاد اسلامی با نظام سرمایه‌داری غربی، همین مفهوم کنز کردن است. کنز، نه تنها در سطح شخصی، بلکه در سطح ساختاری نیز مذموم است. مقام معظم رهبری، یکی از ویژگی‌های بانکداری اسلامی را چنین بیان کرده‌اند که در

بانکداری اسلامی، کنز کردن وجود ندارد.^{۴۱} جامعه، دولت اسلامی و ملت مسلمان^{۴۲} بایستی برنامه‌ریزی کنند تا کنز کردن اتفاق نیفتند و ثروت‌ها در عمران و پیشرفت کشور سرمایه‌گذاری بشود و فایده این امر، رهایی از فقر است. خطر کنز در دوران بازسازی و سازندگی - که دوران انباشت کارها و ثروت است - بیشتر است.

۶-۹-۲. حرمت کنز کردن

آیه ۳۴ سوره توبه^{۴۳} در ممنوعیت کنز کردن، مورد استشهاد ایشان قرار گرفته است: اگر کسی ثروت را درآورد و آن را با اسراف، تجمل، اشرافی‌گری، همه آن را خرج کرد یا آن را نگه داشت و جمع ثروت کرد، این از نظر اسلام مذموم و منفور است؛ عدم انفاق منفور و مذموم است و اگر با جمع ثروت همراه باشد، حرام است. آن‌کسانی که طلا و نقره را ذخیره می‌کنند و در راه خدا آن را انفاق نمی‌کنند - شاید طلا و نقره خصوصیتی نداشته باشد؛ آن‌کسانی که پول و ثروت و سرمایه را گنج و ذخیره می‌کنند درحالی‌که نیاز مبرم جامعه به او هست، آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، آنها هم مشمول همین آیه باشند - آن وقت می‌فرماید: «فبشرهم بعذاب الیم» (توبه: ۳۴). اگر گناه کبیره نباشد، این «فبشرهم بعذاب الیم» دیگر چرا؟ آنها را به عذاب دردناکی مژده بده؛ یعنی بگو که منتظر عذاب دردناک الهی باشید که این عذاب دردناک هم می‌تواند در دنیا نتایج طبیعی اعمال سو آنها باشد که البته فقط به‌خود آنها این نتایج برنمی‌گردد، بلکه گریبان همه جامعه را می‌گیرد. و البته ممکن است عذاب اخروی باشد، که احتمالاً هر دوی این‌ها هم هست. یعنی هم در دنیا و هم در آخرت عذاب الیمی ناشی از اینکار خواهد شد. نگهداری ثروت و ندادن آن در راه خدا یک عمل مغضوب پروردگار و شاید یک گناه کبیره است.

۶-۱۰. پیروی نکردن از سبک زندگی غربی

یکی از عیوب جوامع ما این بوده که گاهی فرهنگ خود را از فرهنگ بیگانگان متأثر می‌کردیم. کسانی این را در میان کشور ما به‌عمد ترویج دادند. ما را به سمت زندگی کسانی سوق دادند که دل‌وجانشان از نور معنویت خالی بود؛ در سبک زندگی، کیفیت پوشش، راه رفتن، معاشرت‌ها و ارتباطات اجتماعی. اگر هم کسی به آنها اعتراض کرد، گفتند که دنیا امروز این‌جوری است. درحالی‌که قرآن به ما می‌آموزد: «وَإِنْ تَطَّعْ أَكْثَرَ مَنْ

فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (انعام: ۱۱۶). آنچه انسان جا دارد آن را فرابگیرد و اگر لازم بود، از آن تقلید کند، طریق هدایت است؛ «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»... راه کسانی که به نعمت الهی واصل و نائل شده‌اند را باید پیروی کرد. ما باید عقل و دین خودمان را برای رد و قبول معیار قرار دهیم. امت مؤمن و مسلم، معیار را از قرآن و هدایت الهی می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین اهداف دشمنان ملت ایران و دشمنان اسلام این است که سبک زندگی مسلمان‌ها را عوض کنند و شبیه به سبک زندگی خودشان نمایند. اگر در یک کشوری سبک زندگی مورد قبول غربی‌ها یا آمریکایی‌ها رواج پیدا بکند، نخبگان آن جامعه به بره‌های رومی در مقابل سیاست‌های آمریکا و غرب و همان قدرت مقابل تبدیل می‌شوند؛ اصرار دارند این اتفاق بیفتد و جمهوری اسلامی می‌خواهد نگذارد این اتفاق بیفتد. علاوه بر نقش غرب^{۴۴}، عده‌ای نیز داخل کشور سعی دارند سبک زندگی منطبق با تجمل‌گرایی و فرهنگ غربی را در بین مردم گسترش دهند. کسانی بخواهند کشور را غرق کنند در فرهنگ غربی و گرایش به فرهنگی غربی را روزبه‌روز در کشور توسعه بدهند. بعضی‌ها به‌خاطر اعتقاد و ایمان به فرهنگ غربی، بعضی هم از روی ضعف نفس و سست‌عنصری و عدم توجه و مانند این‌ها، کشور را به سمت فرهنگ غربی می‌کشاند. در این زمینه توجه به جریان نفوذ نیز مهم است. نفوذ جریانی یعنی شبکه‌سازی در داخل ملت [جهت] تغییر باورها، تغییر آرمان‌ها، تغییر نگاه‌ها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر می‌کند؛ یعنی کاری کنند که شما همان‌جوری نگاه کنی به مسأله که یک سیاستمدار آمریکایی [نگاه می‌کند] در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او می‌خواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار می‌کنی.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بیانات مقام معظم رهبری به روش تحلیل مضمون بررسی شد. اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی استخراج شد. این اصول از دو دسته کلی «اصول ایجابی» شامل: انفاق،

انضباط مالی، سرمایه‌گذاری در تولید، خرید محصولات داخلی، پرداخت مالیات و «اصول سلبی» شامل: ممنوعیت مصرف‌گرایی و اسراف، تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی، کنز کردن و پیروی نکردن از سبک‌زندگی غربی، تشکیل می‌شوند.

انفاق، واجب و حق سائل و محروم است؛ ترک آن عقوبت دارد. هرکس هر مقداری که می‌تواند باید انفاق کند و مراقب عواملی مانند اسراف و تجمل‌گرایی که مانع انفاق است، باشد. صاحب واقعی فایده انفاق، خود انفاق‌کننده است. یکی از سؤالاتی که می‌توان برای پژوهش‌های آتی مطرح کرد این است که: آیا اساساً خیریه^{۴۵} -به‌معنای متعارف- و انفاق-به‌معنای خاص دینی- تفاوت دارند یا خیر؟ ربط و نسبت این دو مفهوم چگونه است؟



شکل (۳): اصول عملیاتی تخصیص منابع مالی شخصی

منبع: یافته‌های تحقیق

مصرف بیش‌ازحد نیاز و اسراف، حرام است و آثار منفی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای شخص و جامعه به‌همراه دارد. انضباط مالی را باید رعایت کرد و مصرف با قناعت و میانه‌روی، به‌قدر نیاز همراه با مقداری گشایش باشد. مصادیق مهمی از

مصرف‌گرایی و اسراف عبارتند از: اسراف در آب، نان، غذای طبخ‌شده، میوه، لباس، کاغذ، مصالح ساختمانی، اسباب‌بازی و وسایل تجملاتی، برق و حامل‌های انرژی، خاک، منابع عمومی، دارو، وسایل زندگی و تجمل و آرایش، زیاد خریدن و مصرف کردن، دور ریختن چیزهایی که قابل استفاده است، اسراف و تشریفات زیاد مهمانی‌ها، عقده‌ها و عروسی‌ها و دیگر مراسم، اسراف در ایام عید، سفرهای بیهوده، بهانه برای تغییر وسایل خانه و زندگی. تجمل‌گرایی و اشرافی‌طلبی، ضد ارزشی ناشی از اموری مانند هوس‌رانی، چشم‌وهم-چشمی و آبروداری‌های خیالی است که در تخصیص منابع باید ترک شود. برای مثال استفاده از کالاهای لوکس قاچاق و افطاری‌های تجملاتی از اموری هستند که باید ترک شوند و در عوض به «قناعت انقلابی» توجه شود. ثروت و اموال را نباید به صورت نازا و راکد انباشت کرد؛ بلکه اشخاص پس از خرج و هزینه‌کردهای معمول و جاری، مابقی را صرف اموری مانند انفاق و سرمایه‌گذاری نمایند. کنز نکردن ثروت و تخصیص صحیح و بهینه آن، علاوه بر منافع و مصالح عمومی و پیشرفت کشور، افزایش ثروت شخصی را نیز به دنبال دارد. اگر تولید ثروت و سرمایه‌گذاری از راه حلال و قانونی باشد و دچار اموری مانند اسراف و مصرف‌گرایی نشود، بی‌اشکال است. امروزه کشور نیازمند سرمایه‌گذاری مطمئن در اموری است که کشور را به پیش برد؛ سرمایه‌گذاری‌های ناظر به پیشبرد کشور و تولید، مأجور هستند و از سرمایه‌گذاری‌هایی که به پیشبرد کشور کمک نمی‌کند، نهی شده است. سرمایه‌گذاری‌های مناسبی می‌تواند از بورس‌ها صورت بگیرد. اطلاع از فرصت‌های سرمایه‌گذاری حق مردم است. اگر اشخاص از اموری مانند خرج‌های بیهوده، اشرافی‌طلبی، خرید کالاهای لوکس و سبک‌زندگی تجملاتی دست بکشند، می‌توانند اموالی را که صرف این امور می‌شد برای سرمایه‌گذاری در تولید تخصیص دهند. یکی از اجزای پرتکرار مالی شخصی، «خرید کردن» است. خرید کالای داخلی آثار مثبت و خرید کالای خارجی‌ای که مشابه داخلی دارد پیامدهای منفی در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به همراه دارد. با توجه به این پیامدها و اهمیت خرید کالای داخلی، اشخاص در مدیریت خرید خود، لازم است به محصولات داخلی توجه ویژه نمایند. «اصل نخردن کالای خارجی، جایی نیست که کالای ایرانی وجود نداشته باشد، چنانچه ممکن است در آن حوزه، کالای ایرانی وجود داشته باشد، اما دنبال کیفیتی از آن

کالا باشیم که در مورد مشابه داخلی پیدا نمی‌شود. در این صورت اگر آن صنعت نوزاد است، باید همان کالای داخلی را خرید و برای حمایت از آن، سختی‌ها و مشکلات را نیز تحمل کرد؛ اما اگر نوزاد نباشد، جزء کالاهای استراتژیک کشور هم نباشد و در آن کالا، مزیت رقابتی نیز برای تولید داخلی وجود نداشته باشد، در این صورت اگر کالای داخلی کیفیتی پایین‌تر از کالای خارجی داشته باشد، باید کالای خارجی را مصرف کرد» (پیغامی، ۱۳۹۵، ص. ۶۲).

پرداخت مالیات، واجب و فرار مالیاتی، جرم است. مالیات صحیح به نفع کشور و برای طبقات کم‌درآمد و در خدمت مصالح اسلامی است و باعث کاهش فاصله طبقاتی می‌شود. معیارهای تخصیص منابع، نباید سبک زندگی غربی باشد؛ بلکه باید قرآن و هدایت الهی، معیارهای تخصیص منابع باشد. با شبیه‌شدن سبک زندگی مسلمان‌ها با سبک زندگی غربی، اهداف غرب بهتر محقق می‌شود، سبک زندگی اسلامی و مؤلفه‌های با برکت آن مانند مقاومت، ایثار، قناعت و امثالهم به فراموشی سپرده می‌شود و کشورهای اسلامی ضمن آسیب‌پذیری، به بازار مصرفی عالی برای کالاهای بنجل و لوکس شرکت‌های غربی تبدیل می‌شود.

اصول و چارچوب عملیاتی مذکور، علاوه بر توجه به فرد، به سعادت اجتماع و مصالح اجتماعی نیز توجه دارد؛ در حالی که مالی شخصی متعارف بر اساس انسان‌محوری، توجه خاصی بر لذت و منفعت شخصی (و نه سعادت و نه مصلحت) دارد. این مطلب در تمام اصول ارائه شده علی‌الخصوص سرمایه‌گذاری در تولید، خودش را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری در مالی شخصی متعارف ناظر به کسب سود و منفعت شخصی (بر مبنای بازده و ریسک) است، اما در اصول ارائه شده، به سرمایه‌گذاری در تولید و پیشرفت کشور توجه شده است.

باور به مبدأ و معاد (خدا باوری و آخرت‌گرایی) از اصول مورد پذیرش یک مسلمان است در نتیجه برخلاف مالی شخصی متعارف که فقط بر دنیا - به شکلی جدا و منسلخ از مبدأ و معاد - توجه دارد، اصول ارائه شده از خدا باوری نشأت گرفته و ناظر به سعادت اخروی نیز هستند. سخت‌گرفتن بر خود و تمرین‌های مالی (ر.ک. به اصل خرج کردن به قدر نیاز) در مالی شخصی متعارف به چشم نمی‌خورد و یکی از وجوه افتراق جدی

مالی شخصی اسلامی با مالی شخصی متعارف است. ثمره این تمرین‌ها، در بُعد فردی خودسازی، کاهش دل‌بستگی‌ها به دنیا و آماده شدن برای شرایط سخت است. ثمره ملی و اجتماعی نیز بر این تمرین‌ها مترتب است: «ممکن است تحریم برای آدم مسرف و ولنگار سخت تمام بشود؛ اما ملتی که حساب کار خودش، حساب دخل و خرج خود و حساب مصلحت خود را دارد، زیاده‌روی و اسراف نمی‌کند. بر یک چنین ملتی از تحریم ضرری وارد نمی‌شود. این نکته را از ماه رمضان به یاد نگه‌داریم و ان‌شاءالله عمل کنیم». برای انتخاب کالا و خدمات در مالی شخصی متعارف، معیارهایی مانند کیفیت، قیمت، خدمات پس از فروش، و ضمانت‌نامه‌ها لحاظ می‌شود. یکی از اصول طبق بیانات رهبری، این است که به کالای داخلی توجه شود و به جای خرید مارک‌ها و برندهای خارجی، از مشابه داخلی استفاده شود.

مفاهیم بنیادینی مانند استقلال و خوداتکایی، پشتوانه اصول مستخرج است؛ برای مثال این اصل در خرید محصولات داخلی متجلی است. چنین مفاهیم بنیادینی در مالی شخصی متعارف به چشم نمی‌خورد زیرا معمولاً رویکرد شخص محور غرب، بدون توجه به مفاهیم بنیادین و مصالح عمومی است. مالی شخصی در حوزه سبک زندگی قابل تعریف است. هر مسلمان ایرانی، سبک زندگی خود را باید با اصول قرآنی و الهی تنظیم کند؛ در مدیریت مالی شخصی نیز با توجه به عقل، دین و هدایت الهی زندگی خویش را برنامه‌ریزی نماید و از مؤلفه‌هایی مانند تجمل‌گرایی، مصرف‌گرایی، کنزکردن و... پرهیز کند و گرفتار سبک زندگی غربی نشود. هرگونه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تشکیل ساختار و فرآیند در سطح کلان، عمومی و حاکمیتی باید به گونه‌ای باشد که از اشخاصی که اصول فوق را در جهت ایفای نقش خود در اقتصاد مقاومتی رعایت می‌کنند، پشتیبانی کند؛ نه اینکه مانع پیشرفت و رشد ایشان شود.

یادداشت‌ها

۱. Finance

۲. Personal Finance

۳. مالی شرکتی (Corporate Finance) به این سطح از مسائل مالی پاسخ‌گو هستند.

۴. مباحث مالییه عمومی (Public Finance)، تأمین مالی دولت، بودجه‌ریزی و... بر این بخش

تمرکز دارد.

۵. International Finance

۶. «در این سخنرانی‌های ما هم گاهی حرف‌های خوبی در گوشه کنار هست؛ منتها غالباً دقت نمی‌شود و همین‌طور ناپدید می‌گردد!».

۷. Kapoor, Diabay & Hughes

۸. Personal Finance

۹. Money Management

۱۰. Career Planning

۱۱. Consumer Credit

۱۲. Investment

۱۳. Garman, Forgue

۱۴. Managing Income Taxes

۱۵. Managing Checking & Savings Accounts

۱۶. Retirement & Estate Planning

۱۷. Spend

۱۸. Save

۱۹. Protect

۲۰. Invest

۲۱. Garman & Forgue

۲۲. اگر چنانچه از اسراف و زیاده‌روی و ریخت‌وپاش اموال شخصی، چه آب، چه نان، وسایل تشریفاتی زیادی در مهمانی‌ها، در عقده‌ها، در عروسی‌ها، در بقیه مراسم و چه بقیه چیزهای دیگر پرهیز بشود، به اقتصاد ملی کمک می‌کند.

۲۳. Theme

۲۴. Basic Themes

۲۵. Organizing Themes

۲۶. Global Themes

۲۷. <http://www.Khamenei.ir>

۲۸. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْتَنُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ».

۲۹. البته مصادیق انفاق منحصر در این موارد نیست؛ زیرا این پژوهش در مقام احصاء مصادیق انفاق در این قسمت نیست.

۳۰. و الذين في اموالهم حق معلوم، للسائل والمحروم (معارج: ۲۴-۲۵).

۳۱. محصولات داخلی را مردم مصرف کنند؛ نروند دنبال این نشانه‌ها. حالا مُد شده است بگویند «برند» است، برند فلان؛ برند چیست! بروید سراغ مصرف تولیدات داخلی. [فروشگاه‌هایی] جنس‌های دارای نشان خارجی را [می‌آورند]، یک عده پولدار هم -پولدارهای نوکیسه تازه به دوران رسیده که متأسفانه در کشور کم نداریم- دنبال نشان‌های خارجی‌اند؛ به قول خودشان برندهای خارجی. بنده از این کلمه‌ی «برند» هم خیلی بدم می‌آید.

۳۲. Product

۳۳. Good

۳۴. Service

۳۵. Small and Medium Enterprises

۳۶. Risk

۳۷. Return

۳۸. Tax Planning

۳۹. Tax Avoidance

۴۰. Tax Evasion

۴۱. یکی از ویژگی‌های بانکداری اسلامی این است که کنز کردن به وجود نمی‌آورد. اگر در سیستم بانکی یا به‌وسیله آن، کنز کردن به وجود می‌آید، این یعنی هنوز بانکداری اسلامی محقق نشده است.

۴۲. برنامه‌ریزی ملت مسلمان، ناظر به برنامه‌ریزی مالی اشخاص است و با موضوع پژوهش در ارتباط مستقیم؛ برنامه‌ریزی دولت نیز به‌طور غیرمستقیم و از لحاظ فراهم شدن زمینه‌ها و بسترها و فرهنگ‌سازی، با موضوع پژوهش به‌طور واسطه‌ای و غیرمستقیم در ارتباط است.

۴۳. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ

سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يُكْتَنُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ»
(توبه: ۳۴).

۴۴. غربی‌ها برای دانشگاه ما برنامه‌ریزی داشتند. از روی اطلاع و محاسبه و تحقیق عرض می‌کنم. غربی‌ها برای آنچه آن را جهان سوم می‌نامیدند، برنامه‌ریزی کردند برای تربیت آدم‌هایی که در این کشورها با اخلاق آنها، با شیوه و سبک زندگی آنها تربیت بشوند و رشد کنند و اداره آن کشور را به‌عهده بگیرند. برای دانشگاه ما هم آنها یک چنین برنامه‌ای داشتند؛ یعنی می‌خواستند دانشگاه ما پلی باشد به سمت سرازیر شدن هرآنچه غربی‌ها مایل‌اند در ایران اتفاق بیفتد. آنها می‌خواستند دانشگاه محل پمپاژ افکار و سبک زندگی غربی باشد. معظم‌له هویت ایرانی را برای مقابله با این امر، اثربخش می‌دانند.

۴۵. Donation, Charity

کتابنامه

- اسلامی، سیدامیرحسن (۱۳۸۷). تدوین الگوی برنامه‌ریزی مالی شخصی با توجه به تعالیم اسلامی (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.
- پیغامی، عادل (۱۳۹۵). درآمدی بر الگوی اسلامی مصرف. تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- پیغامی، عادل؛ و مرادی‌باصیری، امین (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر سواد مالی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- حسینی، سیدرضا (۱۳۹۴). الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف‌کننده مسلمان. تهران: پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عابدی‌جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین؛ روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. دو فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.
- کریمی، ابوالقاسم (۱۳۹۷). معیشت مؤمنانه. تهران: انقلاب اسلامی، تهران، ایران.
- مرادی‌باصیری، امین (۱۳۹۳). تحلیل انتقادی الگوی متعارف آموزش مالی شخصی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

موسویان، سیدعباس؛ و بهاری قراملکی، حسن (۱۳۹۱). مبانی فقهی بازار پول و سرمایه. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

نرم افزار حدیث ولایت. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی.

نعمتی، محمد؛ تنهای مقدم، رضا؛ و مرادی باصیری، امین (۱۳۹۵). مدیریت اقتصاد خانوار در اسلام. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.

وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای: <http://www.khamenei.ir> (آخرین بازدید: ۱۳۹۶/۰۵/۰۱).

هراتیان، هادی (۱۳۹۴). مشاوره مالی هوشمند شخصی با استفاده از نقشه ذهنی مالی، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، بارسلونا، اسپانیا.

Abedi Ja'fari, H., Taslimi, M., Faghihi, A., & Sheikhzade, M. (2011). *Thematic Analysis and Thematic Networks: A Simple and Efficient Method for Exploring Patterns Embedded in Qualitative Data Municipalities*. Strategic Management Thought, 5(2), 151-198. (In Persian)

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic Networks: an Analytic Tool for Qualitative Research. *Qualitative Research*, 1(3), 385-405.

Ayatollah Seyyed Ali Khamenei's Website: <http://www.khamenei.ir> (last visited: 01/05/1396).

Boyatzis, R. E., (1998). *Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development*. Sage.

Braun, V., & Clarke, C. (2006). *Using Thematic Analysis in Psychology*. Edward Arnold.

Eslami, S, A, H., (2008). *Developing a Personal Financial Planning Model Based on Islamic Teachings* (MA Thesis). Tehran: Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)

Garman, E. T., & Forgue, R. E. (2010). *Personal Finance*, 10th edition, Charles Hartford.

Hosseini, S, R., (2016). *A Pattern on Income Allocation and Behaviours of a Moslem Consumer*. Pazhooheshgah Farhang & Andishe Islami, Tehran, Iran. (In Persian)

Hadith Velayat Software. Center for Computer Research of Islamic Sciences and Cultural Research Institute of Islamic Revolution. (In Persian)

Heratian, H., (2015). *Intelligent Personal Financial Counseling Using the Financial Mind Map*. International Conference on Engineering Sciences Art and Law, Barcelona, Spain. (In Persian)

- Holloway, I., & Todres, L. (2003). The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence. *Qualitative Research*, 3(3), 345-357.
- Hughes, R. J., Kapoor, J., & Dlabay, L. (2012). *Personal Finance*. McGraw Hill.
- Karimi, A., (1979). *A believable livelihood*. Tehran: Islamic Revolution, Tehran, Iran. (In Persian)
- Madura, J. (2013), *Personal Finance*, 5th edition, Pearson.
- Moradi Bassiri, A., (2014). *Critical Analysis of the Canonical Model of Personal Financial Education*, Masters Thesis. Tehran: Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Mousavian, S, A; & Bahari Gharamlaki, H (2012). *Jurisprudence of Money and Capital Market*. Tehran: Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Madura, J. (2013), *Personal Finance*, 5th edition, Pearson.
- Nemati, M; Tanhaye Moghadam, R; & Moradi Basiri, A., (2016). *Household Economics Management in Islam*. Tehran: Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Payghami, A., (2017). *An Introduction to the Islamic Pattern of Consumption*. Tehran: Basij Daneshjoyee of Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)
- Payghami, A; & Moradi Basiri, A., (2016). *Introduction to Financial Literacy*, In Persian. Tehran: Imam Sadeqh University, Tehran, Iran. (In Persian)